



University of Tehran Press

The Shared Language of Cities: Redesigning Tehran's Sister-City Policies Based on an Analysis of Successful Global Experiences

Mohammad Mehdi Panahi¹ | Hashem Dadashpoor^{2*} | Mana Vahid Bafandeh³ |
Maede Dadashpour⁴

1. Department of Urban Planning, Faculty of Urban Planning, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mmpanahi@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran. E-mail: h-dadashpoor@modares.ac.ir

3. Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: mana.vahidbafandeh@modares.ac.ir

4. Department of Architecture, Faculty of Urban Planning, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: m.dadashpoor@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: May 10, 2026

Revised: June 10, 2026

Accepted: June 30, 2026

Published online: September 22, 2026

Keywords:

Sister city relationships,
Urban diplomacy,
International relations,
Urban experiences,
Tehran metropolis.

ABSTRACT

In recent decades, cities have acquired a new role in the international system and have evolved from purely local actors into active participants in transnational interactions. One of the most important instruments cities use to expand their influence and cooperation is the establishment of sister-city relationships—mechanisms through which opportunities for cultural, economic, scientific, tourism, and even technological collaboration are created. The city of Tehran has also signed a series of sister-city agreements and memoranda of understanding with various cities around the world in recent years. However, evidence indicates that many of these relationships, due to the absence of a clear strategic framework, the lack of operational programs, managerial discontinuity, and an overemphasis on ceremonial interactions, have not been able to make a meaningful contribution to urban development and have often remained symbolic and short-term. Therefore, revisiting and redesigning Tehran's sister-city policies based on successful global experiences appears both necessary and unavoidable. The main objective of this research is to identify successful models of sister-city relations at the international level and to propose a framework for redesigning Tehran's intercity cooperation policies. To achieve this aim, the study employs a multi-method approach that includes a systematic literature review, thematic analysis, and expert evaluation. In the first stage, 318 documents related to intercity cooperation were identified. After screening based on the criteria of validity, relevance, and applicability, a total of 40 successful global cases were selected for in-depth analysis. In the next step, using thematic analysis, 212 basic themes were extracted from the data and organized into nine overarching and organizing themes, each representing a key dimension of effective intercity partnerships. To validate and prioritize these themes within the context of Tehran as a megacity, the perspectives of eight experts and specialists in urban management and city diplomacy were collected and analyzed. The Friedman test was then used to rank the importance of each cooperation dimension. The findings indicate that the success of sister-city relations depends primarily on strengthening cultural, scientific, and economic collaborations, as well as institutionalizing sustainable executive mechanisms within the structure of urban governance. According to expert assessments, "cultural and identity diplomacy," "scientific and educational exchanges," and "economic cooperation" constitute the three most significant and high-potential areas for development in Tehran, and prioritizing these areas can substantially enhance the effectiveness of the city's sister-city partnerships.

Cite this article: Dadashpoor, H.; Panahi, M. M.; Bafandeh, V. & Dadashpour, M. (2026). The Shared Language of Cities: Redesigning Tehran's Sister-City Policies Based on an Analysis of Successful Global Experiences. *Town and Country Planning*.18 (1), 1-24. <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.413976.670554>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.413976.670554>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

آمایش سرزمین

شاپا الکترونیک: ۶۲۶۸-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jtcp@ut.ac.ir/>

زبان مشترک شهرها: بازطراحی سیاست‌های خواهرخواندگی کلان‌شهر تهران بر اساس تحلیل تجارب موفق جهانی

محمد مهدی پناهی^۱ | هاشم داداش‌پور^{۲*} | مانا وحیدبافنده^۳ | و مائده داداش‌پور^۴

۱. گروه شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mmpanahi@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: h-dadashpoor@modares.ac.ir
۳. گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: mana.vahidbafandeh@modares.ac.ir
۴. گروه معماری، دانشکده شهرسازی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: m.dadashpoor@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

کلیدواژه:

تجارب شهری، خواهرخواندگی شهری، دیپلماسی شهری، روابط بین‌الملل، کلان‌شهر تهران.

در دهه‌های اخیر، شهرها نقش تازه‌ای در نظام روابط بین‌الملل یافته‌اند و از بازیگران صرفاً محلی به کنشگرانی فعال در تعاملات فراملی تبدیل شده‌اند. یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که شهرها برای گسترش نفوذ و همکاری‌های خود به کار می‌گیرند روابط خواهرخواندگی است؛ روابطی که از طریق آن امکان توسعه همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی، گردشگری، و حتی فناوری فراهم می‌شود. شهر تهران نیز در سال‌های گذشته مجموعه‌ای از توافقات و تفاهم‌نامه‌های خواهرخواندگی با شهرهای مختلف جهان منعقد کرده است. با وجود این، بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از این روابط به دلیل نبود چارچوب راهبردی مشخص، فقدان برنامه‌های عملیاتی، ناپوستگی مدیریتی، و تمرکز بر تعاملات تشریفاتی نتوانسته‌اند نقش مؤثری در توسعه شهری ایفا کنند و اغلب محدود به اقداماتی نمادین و کوتاه‌مدت باقی مانده‌اند. از این رو، بازنگری و بازطراحی سیاست‌های خواهرخواندگی کلان‌شهر تهران بر اساس تجربیات موفق جهانی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی الگوهای موفق روابط خواهرخواندگی در سطح بین‌المللی و ارائه چارچوبی برای بازطراحی سیاست‌های همکاری بین‌شهری تهران است. برای دستیابی به این هدف، پژوهش از یک رویکرد چندروشی بهره گرفته که شامل مرور نظام‌مند منابع، تحلیل مضمون، و ارزیابی خبرگان می‌شود. در مرحله نخست، ۳۱۸ سند مرتبط با همکاری‌های بین‌شهری شناسایی شد. پس از غربالگری مبتنی بر معیارهای اعتبار، ارتباط، و قابلیت اجرا ۴۰ تجربه موفق جهانی برای تحلیل دقیق‌تر انتخاب شد. در گام بعد، با استفاده از روش تحلیل مضمون ۲۱۲ مضمون پایه از داده‌ها استخراج شد و این مضامین در قالب ۹ مضمون سازمان‌دهنده و فراگیر دسته‌بندی شدند که هر یک نمایانگر ابعاد کلیدی روابط بین‌شهری کارآمد هستند. برای اعتبارسنجی و تعیین اولویت‌های این مضامین در زمینه کلان‌شهر تهران دیدگاه‌های ۱۲ متخصص و صاحب‌نظر حوزه مدیریت شهری و دیپلماسی شهری گردآوری و تحلیل شد. سپس برای رتبه‌بندی اهمیت هر محور همکاری از آزمون فریدمن بهره گرفته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت روابط خواهرخواندگی بیش از هر چیز وابسته به توسعه همکاری‌های فرهنگی، علمی، و اقتصادی و همچنین نهادینه‌سازی سازکارهای اجرایی پایدار در ساختار مدیریت شهری است. بر اساس ارزیابی خبرگان، «دیپلماسی فرهنگی و هویتی»، «تبادلات علمی و آموزشی»، و «همکاری‌های اقتصادی» سه محور کلیدی و دارای بیشترین ظرفیت توسعه برای تهران هستند و توجه به آن‌ها می‌تواند کارآمدی روابط خواهرخواندگی این کلان‌شهر را به طور چشمگیری افزایش دهد.

استناد: پناهی، محمد مهدی؛ داداش‌پور، هاشم؛ وحیدبافنده، مانا و داداش‌پور، مائده (۱۴۰۵). زبان مشترک شهرها: بازطراحی سیاست‌های خواهرخواندگی کلان‌شهر تهران

بر اساس تحلیل تجارب موفق جهانی. *آمایش سرزمین*، ۱۸ (۱) ۳۴-۱. <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.413976.670554>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.413976.670554>



مقدمه

در دهه‌های اخیر، دیپلماسی شهری به عنوان یکی از ابعاد نوظهور حکمرانی در عرصه جهانی مطرح شده و شهرها را از بازیگران صرفاً محلی به کنشگران فعال روابط بین‌الملل تبدیل کرده است (داداش‌پور و همکاران، ۱۴۰۵). رشد شبکه‌ای شهرها، تعاملات فراملی، و وابستگی‌های اقتصادی و فرهنگی میان کلان‌شهرها سبب شده شهرها «زبان مشترک» خود را در قالب همکاری‌های فرهنگی، علمی، و اقتصادی توسعه دهند (Acuto & Rayner, 2016; Barber, 2013; Curtis, 2016; Acuto, 2013). در این میان، روابط خواهرخواندگی به عنوان یکی از باسابقه‌ترین سازکارهای دیپلماسی شهری، هرچند گاهی به دلیل تمرکز بر جنبه‌های نمادین مورد نقد قرار گرفته (Clarke, 2011; Jayne et al., 2013)، همچنان به عنوان ابزاری برای تقویت هویت جهانی، تبادل دانش، و ارتقای انسجام منطقه‌ای مورد توجه است (Zelinsky, 1991).

در سال‌های اخیر، روابط خواهرخواندگی از یک ابزار نمادین پس از جنگ جهانی دوم به یکی از مهم‌ترین سازکارهای همکاری فراملی میان شهرها تبدیل شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این روابط علاوه بر تقویت تعاملات فرهنگی می‌توانند در انتقال دانش مدیریتی، یادگیری سیاستی، توسعه گردشگری شهری، جذب سرمایه‌گذاری، و شکل‌گیری شبکه‌های نوآوری نقش‌آفرین باشند (Acuto & Leffel, 2021; Clarke, 2011; Jayne et al., 2013; Zelinsky, 1991). از این رو، ارزیابی کیفیت و اثربخشی این روابط به یکی از موضوعات مهم در مطالعات دیپلماسی شهری تبدیل شده است.

شواهد جهانی نشان می‌دهد شهرهای موفق در روابط بین‌المللی معمولاً رویکردی مرحله‌ای اتخاذ می‌کنند؛ به گونه‌ای که همکاری‌های فرهنگی و آموزشی به عنوان نقطه آغاز تعاملات عمل می‌کند و سپس بستر لازم برای همکاری‌های اقتصادی، گردشگری، نوآوری، و حکمرانی شهری را فراهم می‌سازد (Cremer et al., 2001). این امر مستلزم آن است که سیاست‌گذاری شهری از سطح تشریفاتی عبور کند و بر مبنای تحلیل دقیق مضمونی تجربیات موجود به سمت برنامه‌های هدفمند و چندبخشی سوق پیدا کند. بررسی تجربه شهرهایی همچون سئول، استانبول، و بارسلونا تأکید می‌کند که اثربخشی این روابط مستقیماً با میزان انطباق عملیاتی و استراتژیک سیاست‌های محلی با اهداف بین‌المللی سنجیده می‌شود (Kuznetsov, 2015; Nijman, 2016).

با وجود سابقه نسبتاً طولانی روابط خواهرخواندگی کلان‌شهر تهران با شهرهای مختلف جهان، این روابط در بسیاری از موارد با چالش‌هایی نظیر پراکندگی اهداف، فقدان انسجام سیاستی، محدود بودن تعاملات به سطح تشریفات رسمی، و نیز نبود سازکارهای نظام‌مند برای ارزیابی و پایش نتایج مواجه بوده است. در چنین شرایطی، ظرفیت بالقوه این روابط برای تبدیل شدن به ابزاری مؤثر در ارتقای جایگاه بین‌المللی شهر، توسعه تعاملات فرهنگی و علمی، و حتی تسهیل همکاری‌های اقتصادی به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. از این رو، بازاندیشی در سیاست‌ها و سازکارهای حاکم بر روابط خواهرخواندگی تهران به عنوان یکی از کلان‌شهرهای مهم منطقه ضرورتی اساسی در چارچوب دیپلماسی شهری معاصر محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با تکیه بر بررسی نظام‌مند تجارب موفق جهانی در حوزه خواهرخواندگی شهری و بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون تلاش می‌کند الگوها و سازکارها و حوزه‌های همکاری مؤثر در تعاملات بین‌شهری را شناسایی و طبقه‌بندی کند. در این زمینه، مجموعه‌ای از مضامین پایه، سازمان‌دهنده، و فراگیر از میان نمونه‌های بین‌المللی استخراج و بر اساس آن‌ها چارچوبی تحلیلی برای درک منطق شکل‌گیری و تداوم همکاری‌های موفق میان شهرها ارائه می‌شود. این رویکرد امکان می‌دهد تا تجربه شهرهای مختلف جهان نه صرفاً به عنوان نمونه‌های موردی بلکه به عنوان منبعی برای استخراج الگوهای قابل تعمیم و یادگیری سیاستی مورد استفاده قرار گیرد.

با وجود توسعه مباحث دیپلماسی شهری و روابط خواهرخواندگی، بخش عمده مطالعات موجود بر توصیف تجارب موردی شهرها یا بررسی پیامدهای خاص این روابط متمرکز بوده‌اند (Kuznetsov, 2015; Acuto, 2013; Clarke, 2011). در مقابل، پژوهش‌های محدودی به استخراج نظام‌مند الگوهای موفق از مجموعه‌ای از تجارب جهانی و تبدیل آن‌ها به چارچوبی کاربردی برای سیاست‌گذاری شهری پرداخته‌اند. این خلأ به‌ویژه در مورد کلان‌شهر تهران، با وجود برخورداری از روابط خواهرخواندگی متعدد، بیش از پیش محسوس است. از این رو، نیاز به پژوهشی که بتواند از رهگذر تحلیل نظام‌مند تجارب جهانی الگوهای مؤثر همکاری بین‌شهری را شناسایی کند و برای بازطراحی سیاست‌های خواهرخواندگی تهران به کار گیرد احساس می‌شود.

بر این اساس، هدف اصلی پژوهش آن است که با ترکیب یافته‌های حاصل از تحلیل تجارب جهانی و ارزیابی دیدگاه‌های متخصصان چارچوبی کاربردی برای بازطراحی سیاست‌های خواهرخواندگی شهری تهران ارائه دهد. این چارچوب می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای هدایت برنامه‌های همکاری بین‌المللی شهرداری تهران مورد استفاده قرار گیرد؛ به گونه‌ای که روابط خواهرخواندگی از سطح تعاملات نمادین فراتر رود و به بستری برای توسعه همکاری‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، و نوآورانه تبدیل شود.

چارچوب نظری پژوهش

تحولات چند دهه اخیر در نظام روابط بین‌الملل موجب افزایش نقش شهرها در عرصه همکاری‌های فراملی شده است. در این شرایط، شهرها دیگر صرفاً واحدهای اداری تابع دولت‌های ملی نیستند، بلکه به بازیگرانی فعال در شبکه‌های جهانی تبدیل شده‌اند که از طریق سازکارهایی نظیر خواهرخواندگی، عضویت در شبکه‌های شهری، و همکاری‌های موضوعی در فرایندهای توسعه، یادگیری، و تبادل تجربه مشارکت می‌کنند (Acuto, 2013; Barber, 2013; Nijman, 2016).

برای تبیین این تحول، پژوهش حاضر از سه رویکرد نظری مکمل شامل حکمرانی چندسطحی، دیپلماسی شهری، و شبکه‌های سیاستی بهره می‌گیرد. این سه رویکرد امکان فهم ابعاد مختلف روابط خواهرخواندگی را فراهم می‌کنند و چارچوبی منسجم برای تحلیل یافته‌های پژوهش ارائه می‌دهند. نخستین مبنای نظری پژوهش نظریه حکمرانی چندسطحی است. این نظریه، که هوخه و مارکس آن را توسعه دادند، بر این فرض استوار است که فرایندهای حکمرانی در جهان معاصر میان سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی، و فراملی توزیع شده‌اند و تصمیم‌گیری عمومی دیگر در انحصار دولت‌های ملی قرار ندارد (Hooghe & Marks, 2001). در چنین شرایطی، نهادهای محلی، سازمان‌های مدنی، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی، و سایر کنشگران نیز در فرایندهای سیاست‌گذاری و اجرا نقش ایفا می‌کنند (Bache & Flinders, 2004; Piattoni, 2010). از این منظر، روابط خواهرخواندگی را می‌توان نوعی سازکار حکمرانی چندسطحی دانست که از طریق آن بازیگران مختلف شهری در سطوح گوناگون برای حل مسائل مشترک، انتقال دانش، و توسعه همکاری‌های فراملی با یک‌دیگر تعامل می‌کنند.

دومین مبنای نظری پژوهش مفهوم دیپلماسی شهری است. دیپلماسی شهری به مجموعه فعالیت‌های بین‌المللی شهرها برای پیگیری اهداف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و توسعه‌ای اطلاق می‌شود. این رویکرد بر این نکته تأکید دارد که شهرها در کنار دولت‌ها قادرند به عنوان کنشگران روابط بین‌الملل عمل کنند و از طریق همکاری‌های فراملی به ارتقای منافع محلی خود بپردازند (van der Pluijm & Melissen, 2007; Acuto, 2013; Barber, 2013). در این چارچوب، خواهرخواندگی شهری یکی از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین ابزارهای دیپلماسی شهری محسوب می‌شود که زمینه توسعه تعاملات فرهنگی، علمی، اقتصادی، و مدیریتی میان شهرها را فراهم می‌آورد (Zelinsky, 1991; Clarke, 2011). سومین مبنای نظری پژوهش نظریه شبکه‌های سیاستی است. این نظریه بیان می‌کند که موفقیت سیاست‌های عمومی حاصل همکاری و تعامل شبکه‌ای بازیگران متعدد است و نه صرفاً تصمیمات سلسله‌مراتبی دولت‌ها (Rhodes, 2007; Marsh & Rhodes, 1992). در این رویکرد، کیفیت ارتباطات میان بازیگران، اعتماد متقابل، تبادل منابع، و یادگیری مشترک از عوامل اصلی موفقیت سیاست‌ها محسوب می‌شوند (Klijn, 1996; Börzel, 1998). بر همین اساس، پایداری روابط خواهرخواندگی نیز بیش از آنکه به وجود توافق‌نامه‌های رسمی وابسته باشد به میزان شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی میان شهرداری‌ها، دانشگاه‌ها، نهادهای فرهنگی، بخش خصوصی، و شهروندان بستگی دارد.

بر پایه این سه رویکرد نظری، روابط خواهرخواندگی در پژوهش حاضر به مثابه سازکاری چندسطحی و شبکه‌ای برای تحقق دیپلماسی شهری در نظر گرفته می‌شود. در این چارچوب انتظار می‌رود همکاری‌های موفق ابتدا از تعاملات فرهنگی و هویتی آغاز شوند، سپس به حوزه‌های آموزشی و گردشگری و مدیریتی گسترش یابند، و در نهایت به همکاری‌های راهبردی در حوزه‌های اقتصادی، فناورانه، و توسعه پایدار منجر شوند. از این رو، چارچوب نظری پژوهش بستری مفهومی برای تفسیر مضامین استخراج‌شده از تجارب جهانی خواهرخواندگی و تحلیل قابلیت کاربرد آن‌ها در شهر تهران فراهم می‌کند.

روش پژوهش

در این پژوهش به منظور شناسایی الگوهای موفق روابط خواهرخواندگی شهری از مرور نظام‌مند منابع استفاده شد. مرور نظام‌مند رویکردی ساختارمند برای گردآوری، ارزیابی، و ترکیب شواهد موجود در یک حوزه پژوهشی است که امکان شناسایی الگوها را فراهم می‌کند. در این مطالعه، منابع مرتبط با روابط خواهرخواندگی، دیپلماسی شهری، و همکاری‌های بین‌شهری در پایگاه Google Scholar و همچنین وبسایت رسمی شهرداری‌ها و شبکه‌های بین‌المللی شهری (بازه زمانی ۲۰۰۰ - ۲۰۲۵) مورد جست‌وجو قرار گرفتند. کلیدواژه‌هایی مانند sister city, city diplomacy, city partnerships, urban international cooperation و ترکیبات مشابه برای بازیابی منابع استفاده شد.

در نتیجه این جست‌وجو، ۳۱۸ سند و گزارش مرتبط شناسایی شد که شامل مقاله‌های علمی، گزارش‌های رسمی شهرداری‌ها، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، و مستندات پروژه‌های همکاری شهری بودند. پس از گردآوری اولیه، این منابع بر اساس معیارهای ازپیش‌تعیین‌شده مورد بررسی قرار گرفتند. معیارهای انتخاب شامل مواردی نظیر وجود دستاورد مشخص در روابط خواهرخواندگی، تنوع حوزه همکاری (فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، فناوری)، قابلیت استناد و مستندسازی تجربه، و ارتباط با مدیریت شهری بود. بر اساس این معیارها، فرایند غربالگری چندمرحله‌ای انجام شد و در نهایت ۴۰ تجربه موفق از روابط خواهرخواندگی شهری استخراج شد که دارای ویژگی‌های قابل تحلیل و انتقال به سایر شهرها بودند. فرایند غربالگری منابع در چند مرحله انجام شد. در مرحله نخست، اسناد تکراری یا فاقد ارتباط مستقیم با موضوع حذف شدند. در مرحله دوم، چکیده و محتوای کلی منابع بررسی شد تا میزان ارتباط آن‌ها با موضوع همکاری‌های بین‌شهری و نتایج عملی روابط خواهرخواندگی مشخص شود. در مرحله سوم، منابعی که دارای شواهد مشخص از خروجی‌های ملموس یا برنامه‌های اجرایی موفق بودند انتخاب شدند. در نهایت، مجموعه‌ای از ۴۰ تجربه منتخب که از نظر تنوع جغرافیایی، حوزه همکاری، و میزان موفقیت قابل توجه بودند برای مرحله تحلیل انتخاب شدند (شکل ۱).



شکل ۱. فرایند غربالگری نمونه‌های موفق خواهرخواندگی شهری در جهان بر اساس چکلیست پریزما

در این پژوهش، مفهوم «تجربه موفق خواهرخواندگی شهری» صرفاً به وجود توافق‌نامه‌های رسمی یا روابط نمادین محدود نشده و به صورت عملیاتی و مبتنی بر شواهد قابل مشاهده تعریف شده است. بر این اساس، تجربه موفق به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که در آن همکاری بین‌شهری به خروجی‌های عینی، مستند، و قابل ارزیابی منجر شده باشد و فراتر از سطح تشریفاتی یا

صرفاً حقوقی عمل کرده باشد. به منظور افزایش شفافیت، کاهش سوگیری در انتخاب نمونه‌ها، و امکان بازتولیدپذیری پژوهش معیارهای انتخاب بر اساس چهار شاخص هم‌زمان تدوین شد.

نخست، وجود «خروجی یا اقدام اجرایی مشترک» به عنوان شرط اصلی در نظر گرفته شد؛ به این معنا که رابطه خواهرخواندگی باید حداقل شامل یکی از موارد مانند اجرای یک پروژه مشترک شهری ثبت‌شده، برنامه‌های تبادل تخصصی در حوزه مدیریت شهری، اجرای برنامه‌های مشترک فرهنگی یا آموزشی یا اقتصادی با گزارش رسمی، شکل‌گیری سرمایه‌گذاری یا تأمین مالی مشترک باشد. دوم، «تداوم همکاری» به عنوان شاخص پایداری رابطه لحاظ شد که بر اساس آن همکاری باید حداقل به مدت سه سال ادامه یافته باشد یا در قالب حداقل دو فعالیت یا پروژه مستقل در بازه‌های زمانی متفاوت تداوم داشته باشد. سوم، «مستندسازی رسمی و قابل اتکا» شرط دیگر انتخاب بود که تنها در صورت وجود گزارش‌های رسمی شهرداری‌ها، مستندات نهادهای بین‌المللی شهری، یا اسناد منتشرشده در وبسایت‌های رسمی شهرها احراز می‌شد. چهارم، «قابلیت الگوبرداری و انتقال‌پذیری تجربه» به عنوان شاخص تحلیلی در نظر گرفته شد؛ به این معنا که تجربه انتخاب‌شده دارای سازگار مشخص همکاری باشد و امکان تکرار یا اجرای آن در سایر شهرها وجود داشته باشد و صرفاً وابسته به شرایط خاص و غیر قابل تعمیم نباشد.

در فرایند انتخاب، تنها مواردی وارد مرحله تحلیل شدند که حداقل سه مورد از چهار شاخص فوق را دارا بودند. این آستانه به صورت آگاهانه و با هدف افزایش سخت‌گیری در غربالگری نمونه‌ها و حذف روابط صرفاً نمادین یا فاقد خروجی اجرایی تعیین شد. بدین ترتیب، چارچوب پیشنهادی امکان تمایز روشن میان «توافقی‌های صرفاً رسمی» و «تجارب واقعاً اثربخش و قابل تحلیل» را فراهم کرد و مبنای انتخاب ۴۰ تجربه نهایی پژوهش قرار گرفت.

جدول ۱. معیارهای عملیاتی ارزیابی تجارب موفق خواهرخواندگی شهری

معیار	تعریف عملیاتی	شاخص سنجش
خروجی یا اقدام اجرایی مشترک	وجود فعالیت‌های واقعی مشترک میان دو شهر فراتر از سطح توافقی‌نامه	اجرای پروژه مشترک، برنامه تبادل تخصصی، برنامه فرهنگی / اقتصادی مشترک، سرمایه‌گذاری مشترک (Acuto, 2013; Acuto, 2016; Jayne et al., 2011; Zelinsky, 1991)
تداوم همکاری	استمرار رابطه خواهرخواندگی در بازه زمانی معنادار	حداقل ۳ سال همکاری فعال یا حداقل ۲ پروژه مستقل در زمان‌های متفاوت (Tavares, 2016; Hocking et al., 2012)
مستندسازی رسمی	وجود شواهد قابل اتکا از اجرای همکاری‌ها	گزارش رسمی شهرداری‌ها، اسناد نهادهای بین‌المللی شهری، وبسایت رسمی شهرها (OECD, 2015; UCLG, 2016)
قابلیت الگوبرداری	امکان تعمیم تجربه به سایر شهرها و عدم وابستگی به شرایط خاص	وجود سازگار مشخص همکاری و قابلیت تکرار در زمینه‌های مشابه (McCann, 2011; Stone, 2004; Robinson, 2011)

پس از انتخاب تجارب موفق، برای استخراج الگوهای مشترک از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون یکی از روش‌های کیفی پرکاربرد برای شناسایی و طبقه‌بندی و تفسیر الگوهای معنایی در داده‌ها است (Braun & Clarke, 2006). در این پژوهش، داده‌های حاصل از تجارب منتخب شامل گزارش‌ها، پروژه‌ها، و فعالیت‌های انجام‌شده میان شهرهای خواهرخوانده مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله نخست، داده‌ها به طور کامل مطالعه و کدهای اولیه مرتبط با انواع فعالیت‌ها، دستاوردها، و سازکارهای همکاری استخراج شدند. در نتیجه این فرایند، ۲۱۲ مضمون پایه شناسایی شد. در مرحله بعد، مضامین پایه بر اساس شباهت‌های مفهومی در قالب مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی شدند و در نهایت مضامین سازمان‌دهنده در سطحی کلان‌تر به مضامین فراگیر تبدیل شدند که بیانگر منطق کلی همکاری‌های بین‌شهری بودند. این فرایند امکان شناسایی حوزه‌های اصلی تعاملات موفق شهری و ارائه چارچوبی مفهومی برای تحلیل روابط خواهرخواندگی را فراهم ساخت. به منظور ارزیابی میزان اهمیت و اولویت مضامین سازمان‌دهنده برای شهر تهران، از نظر متخصصان حوزه مدیریت شهری و روابط بین‌الملل شهری استفاده شد. در این مرحله، پرسشنامه‌ای بر اساس مضامین استخراج‌شده طراحی و از ۱۲ متخصص (جدول ۲) خواسته شد تا

اهمیت هر یک از مضامین را در مقیاس پنج‌درجه‌ای ارزیابی کنند. سپس میانگین امتیاز و میانگین رتبه هر مضمون محاسبه شد تا اولویت نسبی آن‌ها مشخص شود.

برای بررسی معناداری تفاوت میان رتبه‌های اختصاص داده‌شده توسط متخصصان، از آزمون فریدمن استفاده شد. این آزمون یک روش آماری ناپارامتری برای مقایسه چند متغیر وابسته در داده‌های رتبه‌ای است و در مطالعات مبتنی بر نظر خبرگان کاربرد گسترده‌ای دارد. نتایج این آزمون نشان داد تفاوت میان رتبه‌های مضامین از نظر آماری معنادار است و در نتیجه می‌توان اولویت‌های استخراج‌شده را به عنوان مبنایی برای تحلیل و پیشنهاد‌های سیاستی در نظر گرفت.

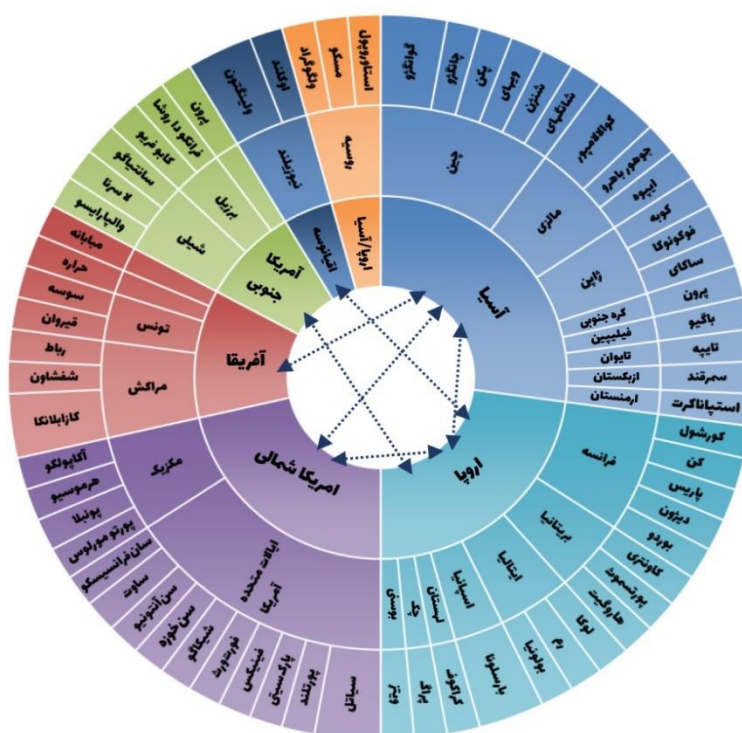
جدول ۱. جدول تخصص متخصصان مشارکت‌کننده در پژوهش

سمت	حوزه تخصص	سابقه
عضو هیئت علمی دانشگاه	برنامه‌ریزی شهری	بیش از ۱۰ سال تدریس و پژوهش در حوزه توسعه و برنامه‌ریزی شهری
پژوهشگر ارشد	دیپلماسی شهری و روابط بین‌الملل	بیش از ۱۰ سال پژوهش و همکاری با نهادهای شهری و بین‌المللی
مدیر سابق همکاری‌های بین‌الملل شهرداری شیراز	مدیریت شهری	بیش از ۱۲ سال تجربه اجرایی در روابط بین‌شهری و خواهرخواندگی / پژوهشگر حوزه مدیریت شهری
عضو هیئت علمی دانشگاه	برنامه‌ریزی منطقه‌ای	بیش از ۱۴ سال فعالیت علمی در حوزه سیاست‌گذاری فضایی
پژوهشگر اقتصاد شهری	اقتصاد و توسعه شهری	بیش از ۸ سال پژوهش در حوزه اقتصاد شهری و سرمایه‌گذاری محلی
پژوهشگر حوزه خواهرخواندگی شهری	دیپلماسی شهری و خواهرخواندگی شهری	بیش از ۱۰ سال تجربه پژوهشی در پروژه‌های مشارکتی بین‌شهری و استاد مدعو دانشگاه
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری	بیش از ۹ سال تجربه حرفه‌ای در نهادهای شهری و پژوهشگر مرکز مطالعات شهرداری تهران
پژوهشگر شهرسازی	پژوهشگر دکتری شهرسازی	بیش از ۸ سال فعالیت در مراکز پژوهشی و مطالعاتی و سابقه چاپ مقاله در حوزه خواهرخواندگی و دیپلماسی شهری
عضو هیئت علمی دانشگاه	روابط بین‌الملل / دیپلماسی شهری	بیش از ۱۰ سال تدریس و پژوهش در حوزه دیپلماسی شهری، حکمرانی چندسطحی، و همکاری‌های بین‌المللی شهری
مدیر / معاون امور بین‌الملل شهرداری	مدیریت شهری و همکاری‌های بین‌شهری	بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال تجربه اجرایی در توافقات خواهرخواندگی، همکاری‌های شهری، و شبکه‌های شهری بین‌المللی
عضو هیئت علمی	روش تحقیق کمی، تحلیل چندمعیاره، آمار کاربردی	بیش از ۱۰ سال تجربه در تحلیل‌های آماری و طراحی مدل‌های تصمیم‌گیری
مشاور در حوزه شبکه‌های شهری	حکمرانی شهری جهانی، شبکه شهرها، دیپلماسی شهری تطبیقی	بیش از ۸ تا ۱۲ سال فعالیت در پروژه‌های همکاری شهری بین‌المللی یا مطالعات تطبیقی شهرها

یافته‌ها

در این پژوهش به منظور شناسایی عوامل موفقیت در روابط خواهرخواندگی شهری ۴۰ نمونه از تجارب موفق جهانی بر اساس معیارهای تعیین‌شده در بخش روش تحقیق انتخاب شد و مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌های مربوط به هر تجربه شامل سال شکل‌گیری رابطه، نوع بازیگران مشارکت‌کننده، حوزه تمرکز همکاری، سطح تعامل، و دستاوردهای حاصل گردآوری شد. سپس، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در موفقیت این روابط استخراج و در قالب مضامین پایه کدگذاری شد. در مجموع ۲۱۲ کد مضمون پایه از میان تجارب مورد مطالعه شناسایی شد که بیانگر ابعاد مختلف شکل‌گیری، تداوم، و کارکرد روابط خواهرخواندگی در شهرهای جهان است. در ادامه، به منظور درک الگوهای حاکم بر این تجارب ابتدا توزیع نمونه‌ها از نظر ویژگی‌هایی نظیر پراکنش جغرافیایی، سال شکل‌گیری روابط، و سایر مشخصات مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین ابعاد مختلف هر تجربه از جمله نوع بازیگران مشارکت‌کننده، حوزه تمرکز همکاری، سطح تعامل، و دستاوردهای حاصل تحلیل می‌شود. سپس مضامین پایه استخراج‌شده در قالب مضامین سازمان‌دهنده و در نهایت مضامین فراگیر دسته‌بندی می‌شوند تا از طریق شناسایی الگوهای مشترک در تجارب جهانی زمینه استخراج سیاست‌ها و راهبردهای قابل استفاده برای توسعه روابط خواهرخواندگی شهر تهران فراهم شود.

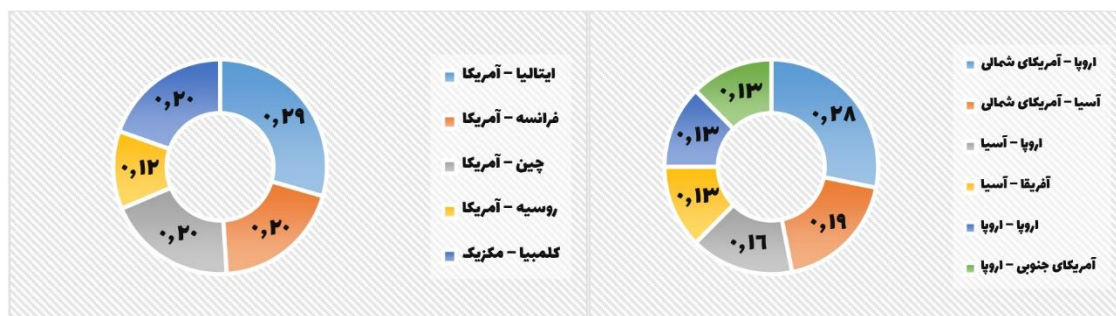
بررسی توزیع جغرافیایی نشان می‌دهد اروپا با ۲۰ مشارکت (حدود ۲۸٪ از کل مشارکت‌ها) بیشترین سهم را در شبکه‌های موفق خواهرخواندگی دارد که بیانگر پیشینه تاریخی و نهادی قوی شهرهای اروپایی در دیپلماسی شهری و همکاری‌های بین‌المللی است. پس از آن آسیا با ۱۸ مشارکت (حدود ۲۵٪) در رتبه دوم قرار دارد که نشان‌دهنده رشد سریع تعاملات شهری در این قاره و نقش فزاینده شهرهای آسیایی در همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی و فناوری است. امریکای شمالی نیز با ۱۴ مشارکت (حدود ۱۹٪) سهم قابل توجهی دارد و حضور پررنگ شهرهای ایالات متحده در این شبکه‌ها نشان‌دهنده استفاده فعال از خواهرخواندگی به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی و تبادل نوآوری است. در ادامه آفریقا با ۸ مشارکت (حدود ۱۱٪) و امریکای جنوبی با ۶ مشارکت (حدود ۸٪) قرار دارند که بیشتر در قالب همکاری‌های فرهنگی، گردشگری، و توسعه شهری دیده می‌شوند. در نهایت اقیانوسیه با ۵ مشارکت (حدود ۷٪) کمترین سهم را دارد، هرچند شهرهای این منطقه نیز در ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی فعال هستند. در مجموع، الگوی مشاهده‌شده نشان می‌دهد شبکه‌های خواهرخواندگی موفق عمدتاً در محور اروپا-آسیا-امریکای شمالی متمرکز هستند و سایر مناطق بیشتر در قالب روابط مکمل و موضوعی در این شبکه‌ها مشارکت دارند (شکل ۲).



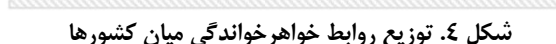
شکل ۲. توزیع جغرافیایی نمونه‌های موفق خواهرخواندگی شهری در جهان

تحلیل روابط خواهرخواندگی شهری در سطح قاره‌ای نشان می‌دهد که اروپا و امریکای شمالی بیشترین میزان همکاری را در این مجموعه دارند. این امر بیانگر پیوندهای تاریخی، فرهنگی و اقتصادی دیرینه میان شهرهای این دو قاره است که از طریق روابط خواهرخواندگی نیز بازتاب یافته است. ارتباط میان آسیا و امریکای شمالی و همچنین اروپا و آسیا در رتبه‌های بعدی قرار دارند که نشان‌دهنده گسترش تعاملات شهری فراتر از مرزهای سنتی غرب و افزایش نقش شهرهای آسیایی در شبکه‌های بین‌المللی است. در کنار این محورهای اصلی، روابط قابل توجهی میان آفریقا و آسیا نیز مشاهده می‌شود که به الگوی نوظهور همکاری‌های جنوب-جنوب اشاره دارد. به طور کلی، این توزیع قاره‌ای حاکی از آن است که شبکه خواهرخواندگی بررسی‌شده تنوع جغرافیایی بالایی دارد و شهرهای جهان را از امریکای شمالی تا آفریقا و آسیا در ساخت یک شبکه جهانی متصل و چندقطبی درگیر کرده است (شکل ۳). بررسی روابط دوجانبه میان کشورها در ۴۰ نمونه خواهرخواندگی شهری نشان می‌دهد که بیشترین ارتباط میان ایالات متحده آمریکا و ایتالیا با سه مورد مشاهده می‌شود. پس از آن، روابط ایالات متحده با فرانسه و چین و روسیه، هر یک با دو مورد، قرار دارند. همچنین رابطه مکزیک و کلمبیا نیز با دو مورد از پیوندهای نسبتاً پرتکرار در این

مجموعه است. در مجموع، این الگو نشان می‌دهد که شهرهای ایالات متحده نقش محوری در شبکه روابط خواهرخواندگی مورد بررسی دارند و بخش قابل توجهی از این همکاری‌ها میان شهرهای این کشور و شهرهایی از اروپا و آسیا شکل گرفته است، درحالی‌که برخی روابط نیز در سطح منطقه‌ای، به‌ویژه در امریکای لاتین، دیده می‌شود (شکل ۴).

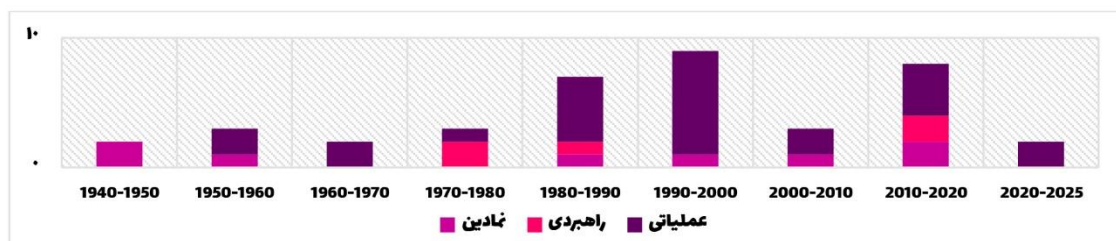


شکل ۳. توزیع روابط خواهرخواندگی میان قاره‌ها



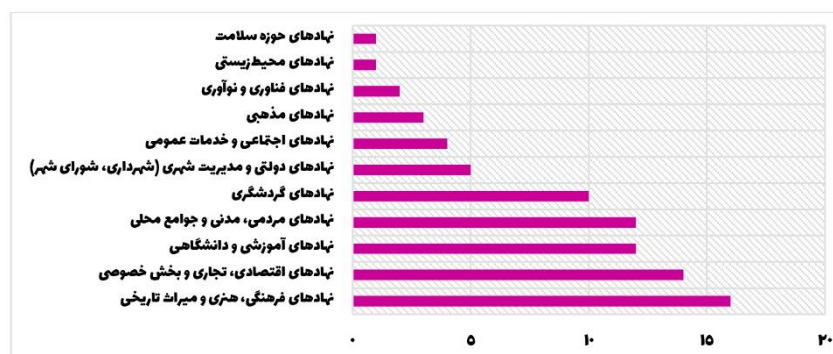
شکل ۴. توزیع روابط خواهرخواندگی میان کشورها

بررسی سطح تعامل در روابط خواهرخواندگی موفق در دهه‌های مختلف نشان می‌دهد که ماهیت این روابط به تدریج از تعاملات محدود و نمادین به همکاری‌های عملیاتی و راهبردی گسترده‌تر تغییر یافته است. در دهه‌های ابتدایی (۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰) تعداد روابط موفق نسبتاً کم بوده و بیشتر در سطح نمادین یا فرهنگی شکل گرفته‌اند. از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ روند رشد تدریجی مشاهده می‌شود و برخی تعاملات عملیاتی نیز به این روابط افزوده می‌شود. نقطه اوج این روند در دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ دیده می‌شود که بیشترین تعداد روابط موفق ثبت شده و بخش قابل توجهی از آن‌ها در سطح عملیاتی و تا حدی راهبردی قرار گرفته‌اند؛ امری که نشان‌دهنده گسترش همکاری‌های اقتصادی، مدیریتی، و شهری میان شهرهای خواهرخوانده است. پس از سال ۲۰۰۰ نیز اگرچه تعداد روابط در برخی دوره‌ها نوسان دارد، همچنان تعاملات عملیاتی سهم قابل توجهی دارند و در دهه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ دوباره افزایش محسوسی در روابط مشاهده می‌شود. به طور کلی، این روند بیانگر آن است که روابط خواهرخواندگی در گذر زمان از تعاملات صرفاً نمادین به همکاری‌های عمیق‌تر و چندبعدی میان شهرها حرکت کرده است (شکل ۵).



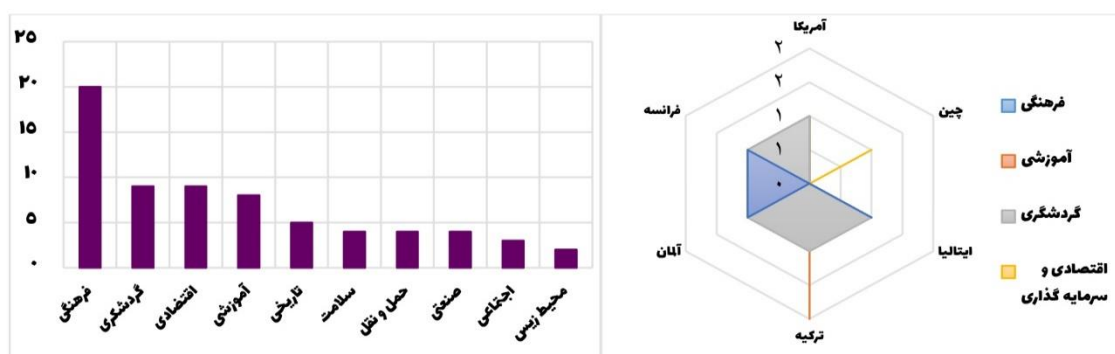
شکل ۵. سطح تعامل در نمونه‌های موفق خواهرخواندگی شهری در جهان بر اساس دهه‌های زمانی

تحلیل فراوانی بازیگران مشارکت‌کننده در روابط خواهرخواندگی موفق نشان می‌دهد که این روابط بیش از هر چیز بر پایه حضور و فعالیت نهادهای فرهنگی، هنری، و میراث تاریخی شکل گرفته‌اند. فراوانی بالای این دسته از بازیگران بیانگر آن است که دیپلماسی شهری در چارچوب خواهرخواندگی عمدتاً از مسیر تبادلات فرهنگی، برنامه‌های هنری، و تقویت هویت تاریخی مشترک میان شهرها پیش می‌رود. در کنار آن، نقش قابل توجه نهادهای اقتصادی و تجاری نیز نشان‌دهنده گسترش تدریجی همکاری‌ها از سطح نمادین به تعاملات عملیاتی و اقتصادی است. همچنین حضور گسترده نهادهای آموزشی و دانشگاهی و سازمان‌های مردمی و جوامع محلی حاکی از آن است که روابط خواهرخواندگی تنها به تعاملات رسمی مدیریت شهری محدود نیست و با مشارکت طیف متنوعی از بازیگران اجتماعی تقویت می‌شود. در مقابل، سهم کمتر نهادهای دولتی، مذهبی، محیط زیستی، و سلامت نشان می‌دهد که این حوزه‌ها نقش محدودتری در شکل‌گیری همکاری‌های موفق میان شهرهای خواهرخوانده داشته‌اند. در مجموع، الگوی مشاهده‌شده بیانگر آن است که موفقیت روابط خواهرخواندگی بیشتر بر پایه تعاملات فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی چندبازگیره شکل می‌گیرد (شکل ۶).



شکل ۶. فراوانی انواع بازیگران مشارکت کننده در روابط خواهرخواندگی موفق شهرها

بر اساس داده‌ها، کشورهایی مانند آمریکا و فرانسه دارای گرایش فرهنگی و آموزشی‌اند، درحالی‌که چین تمرکز بیشتری بر حوزه اقتصادی و سرمایه‌گذاری دارد و کشورهای اروپایی مانند ایتالیا و ترکیه بر گردشگری و تعاملات فرهنگی تأکید دارند (شکل ۷). شکل ۸ نمودار توزیع فراوانی حوزه‌های مختلف همکاری در میان کل نمونه‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، حوزه فرهنگی با بیشترین فراوانی در صدر قرار دارد و پس از آن حوزه‌های گردشگری، اقتصادی، و آموزشی بیشترین سهم را در تمرکز همکاری‌های خواهرخواندگی به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، حوزه‌هایی مانند تاریخ و میراث، سلامت، حمل‌ونقل، صنعت، اجتماعی، و محیط زیست با فراوانی کمتری مشاهده می‌شوند که نشان می‌دهد همکاری‌های خواهرخواندگی عمدتاً حول محور تعاملات فرهنگی، گردشگری، و اقتصادی شکل گرفته و سایر حوزه‌ها نقش تکمیلی در این روابط ایفا می‌کنند (شکل ۸).



شکل ۸. نوع تمرکز همکاری خواهرخواندگی در کل نمونه

شکل ۷. نوع تمرکز همکاری خواهرخواندگی بر اساس کشورها

تحلیل فراوانی دستاوردهای حاصل از روابط خواهرخواندگی در نمونه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که مهم‌ترین خروجی این روابط در حوزه تبادلات فرهنگی، رویدادها، جشنواره‌ها، و تبادل هنرمندان متمرکز است که بیشترین فراوانی را در میان دستاوردها دارد. این امر بیانگر آن است که روابط خواهرخواندگی در درجه نخست به عنوان ابزاری برای تقویت دیپلماسی فرهنگی و گسترش تعاملات بین فرهنگی میان شهرها عمل می‌کند. پس از آن، توسعه همکاری‌های گردشگری و مدیریت گردشگری در جایگاه دوم قرار دارد که نشان‌دهنده نقش مهم این روابط در تقویت اقتصاد گردشگری و افزایش شناخت متقابل شهرها در سطح بین‌المللی است. همچنین تبادلات آموزشی و دانشگاهی و افزایش تعاملات تجاری، اقتصادی، و سرمایه‌گذاری از دیگر دستاوردهای قابل توجه هستند که بیانگر گسترش همکاری‌ها از حوزه‌های فرهنگی به حوزه‌های علمی و اقتصادی است. در کنار این موارد، دستاوردهایی همچون تبادل تجربه در مدیریت شهری، پروژه‌های سلامت و بهداشت، همکاری‌های صنعتی و فناوری، حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی، و پروژه‌های مرتبط با پایداری شهری نیز مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد روابط خواهرخواندگی در بسیاری از موارد به بستری برای انتقال دانش، ارتقای ظرفیت‌های مدیریتی شهری، و توسعه همکاری‌های چندبُعدی میان شهرها تبدیل شده است. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که هرچند آغاز این روابط غالباً با اهداف فرهنگی شکل می‌گیرد، در صورت تداوم و نهادینه شدن، می‌تواند به گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی، آموزشی، فناورانه، و مدیریتی نیز منجر شود (شکل ۹).

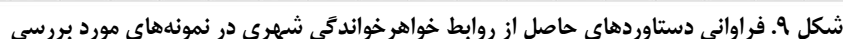


Figure 1 consists of two pie charts. The main pie chart on the left represents the distribution of 1500 questionnaires across 15 cities. The data is as follows:

City	Percentage
Tehran	33%
Isfahan	11%
Shiraz	7%
Mashhad	4%
Qazvin	4%
Alborz	4%
Guilan	4%
Chaharmahal and Bakhtiari	4%
Albort	4%
Ardebil	4%
Hamadan	4%
Ilam	4%
Kermanshah	4%
Lorestan	4%

The smaller pie chart on the right represents the distribution of questionnaires across 15 different topics. The data is as follows:

Topic	Percentage
Participation in local development	11%
Local identity	7%
Local economic development	4%
Local political participation	4%
Local social participation	4%
Local cultural participation	4%
Local environmental participation	4%
Local health participation	4%
Local education participation	4%
Local sports participation	4%
Local arts participation	4%
Local science participation	4%
Local technology participation	4%
Local media participation	4%

شکل ۱۰. نوآوری‌های راهبردی در روابط خواهرخواندگی شهری بر اساس تحلیل مضمون نمونه‌های مورد بررسی

در تحلیل مضامین پایه‌ استخراج شده از ۴۰ تجربه جهانی خواهرخواندگی، مجموعه‌ای شامل ۲۱۲ کُد مضمون پایه شناسایی شد که نشان‌دهنده گستره بسیار متنوع عوامل موفقیت در روابط بین‌شهری است. بررسی فراوانی‌ها نشان می‌دهد بزرگ‌ترین سهم مضامین پایه به حوزه فرهنگی، هنری، و هویتی اختصاص دارد (حدود ۳۴ درصد). این دسته شامل کدهایی مانند برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، تبادل هنرمندان، برنامه‌های هویت‌محور، میراث مشترک، و فعالیت‌های مبتنی بر حافظه جمعی است. پس از آن، حوزه اقتصادی و تجاری و سرمایه‌گذاری با ۲۵ درصد از کل مضامین پایه قرار دارد که محورهایی مانند همکاری اتاق‌های بازرگانی، تعاملات شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری مشترک، و تجارت شهری را در بر می‌گیرد. حوزه آموزشی و علمی نیز حدود ۲۰ درصد از مضامین پایه را تشکیل می‌دهد و شامل تبادل دانشجو، برنامه‌های دانشگاهی، پژوهش مشترک، و شبکه‌سازی علمی

میان شهرها است. همچنین حوزه گردشگری و میراث تاریخی ۹ درصد، نهادی و مدیریتی حدود ۷ درصد، فناوری و نوآوری ۵ درصد، و مضامین اجتماعی- محیط زیستی ۳ درصد را شامل می‌شوند. این توزیع نشان می‌دهد که بنیان روابط موفق در جهان به‌شدت به تعاملات نرم فرهنگی- اجتماعی متکی است و سپس به صورت تدریجی به حوزه‌های اقتصادی، علمی، و مدیریتی گسترش می‌یابد (جدول ۳).

این الگوی درصدی نشان می‌دهد که مضامین پایه نقشه عینی و عملی رفتار شهرها در روابط خواهرخواندگی را ترسیم می‌کنند و عملاً مبنای شکل‌گیری مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر در مرحله بعد هستند. بر اساس این توزیع، بیش از نیمی از مضامین پایه (حدود ۵۴ درصد) در دو حوزه فرهنگی و آموزشی قرار می‌گیرند که بیانگر نقش بنیادین دیپلماسی فرهنگی، حافظه تاریخی، مشارکت مردمی، و ارتباطات آموزشی در شروع و تداوم روابط شهری است. از سوی دیگر، حدود ۳۷ درصد مضامین به حوزه‌های اقتصادی، گردشگری، و نهادی اختصاص دارد که بیشتر نقش توسعه‌ای و تثبیتی دارند و نشان می‌دهند روابط خواهرخواندگی پس از ایجاد پیوندهای فرهنگی اولیه چگونه به بستر همکاری‌های اقتصادی و مدیریتی تبدیل می‌شود. سهم ۹ درصدی حوزه فناوری، محیط زیست، و اجتماعی نیز نشان‌دهنده آن است که این حوزه‌ها بیشتر نقش مکمل و راهبردی دارند و معمولاً پس از تثبیت همکاری در حوزه‌های اصلی فعال می‌شوند. بنابراین، تحلیل مضامین پایه نشان می‌دهد که موفقیت روابط خواهرخواندگی در جهان بر ترکیبی از سه ستون اصلی بنا می‌شود: پیوند فرهنگی- هویتی، تبادلات آموزشی و شبکه‌سازی مردمی، تقویت همکاری اقتصادی- نهادی؛ سه‌گانه‌ای که به طور منسجم در ۲۱۲ گد مضمون پایه بازتاب یافته است و مسیر ایجاد مضامین سازمان‌دهنده در مرحله بعد را کاملاً روشن می‌کند.

جدول ۳. توزیع فراوانی مضامین پایه استخراج‌شده از تجارب جهانی خواهرخواندگی شهری بر اساس حوزه موضوعی

مورد مطالعاتی	سال	مضمون فراگیر (عوامل موفقیت روابط خواهرخواندگی در تجارب جهانی)		فراوانی کل تجربه	نوع بازیگران مشارکت‌کننده	نمرد همکاری	دستاوردها
		کد	مضمون پایه				
کاتر- وگورگر	۱۹۴۴	A1	همدلی و همبستگی ناشی از تجربه مشترک ویرانی در جنگ جهانی	۱۱	انجمن‌های صلح و دوستی شهری، گروه‌های مردمی	صلح، آشتی، پسا جنگ	ایجاد پیوند نسلین پس از جنگ، استمرار فرهنگی
		A2	شکل‌گیری رابطه با هدف تقویت صلح و دوستی				
		A3	تبدیل رابطه به نماد جهانی آشتی پس از جنگ				
		A4	برگزاری مراسم یادبود، برنامه‌های فرهنگی				
		A5	نقش شهرداری‌ها، انجمن‌های صلح، و سازمان‌های محلی				
		A6	حضور انجمن‌های دوستی و گروه‌های مردمی در رابطه				
ویگوتون- هارگیت	۱۹۵۰	A7	پیوند زبانی و فرهنگی (هر دو شهر از اعضای جامعه کشورهای مشترک‌المنافع)	۱۸	شهرداری‌ها و شوراهای محلی، شبکه‌های داوطلبانه	فرهنگ، مدیریت شهری	تفاهیم‌های متعدد شهری، رویدادها
		A8	تمایل به ترویج دوستی میان ملت‌ها پس از جنگ جهانی دوم				
		A9	تبادلات هنری، موسیقی، و برنامه‌های آموزشی				
		A10	ابتکار اولیه از سوی انجمن‌های دوستی مردمی، نه صرفاً دولت				
		A11	وجود شبکه داوطلبانه فعال برای برنامه‌های تبادل				
بارس- ۲	۱۹۵۵	A12	سازکار چنددهه‌ای برای تبادل دانش و پروژه‌های شهری با نهادهای دانشگاهی و هنری	۱۴	نهادهای دانشگاهی و هنری و فرهنگی- تاریخی	فرهنگی، تاریخی	تبادل گسترده در حفظ میراث تاریخی و فرهنگی اروپا
		A13	تعهد بلندمدت دولت‌های محلی به حفظ و گسترش همکاری فرهنگی				
		A15	اشتراک فرهنگی و تمدنی عمیق بین دو پایتخت تاریخی اروپا				
		A16	برنامه‌های مشترک در حوزه‌های آموزش هنر، طراحی شهری، و مرمت بناهای تاریخی				
		A17	همکاری در زمینه مدیریت پایدار گردشگری شهری و ایجاد فضاهای گردشگری و تفریحی				
سپال- کوبه	۱۹۵۷	A18	مشارکت انجمن‌ها، سازمان‌های غیر انتفاعی و شهروندان	۱۲	سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای فرهنگی، و آموزش	فرهنگی و یحزان	شبکه پایدار دوستی/ یازاری بعد از یحزان
		A19	کمک و حمایت سیاتل از کوبه پس از زلزله بزرگ ۱۹۹۵				
		A20	تبادل دانش آموز، دانشگاه‌ها، و برنامه‌های آموزشی				
		A21	برنامه‌های فرهنگی، جشنواره‌ها، و تبادل هنری				
		A22	همکاری بنادر، شرکت‌های کشتیرانی، و فعالان تجاری				
		A23	نقش فعال شهرداری‌ها و نهادهای رسمی دو شهر				

۱۹۵۴	لس آنجلس بورگو- لس آنجلس	A24	جایگاه جهانی بورگو در صنعت و بازار بزرگ مصرف در لس آنجلس	۱۴	بخش خصوصی، بنادر، نهادهای مردم	گردشگری	عملیاتی	توسعه همکاری در بخش صنعتی
		A25	ارتباطات اقتصادی قوی و تعامل فعال بخش خصوصی					
		A26	تقویت روابط تجاری و سرمایه‌گذاری میان شرکت‌های دو شهر					
		A27	تبادل برنامه‌های فرهنگی و هنری بین دو شهر از طریق نهادهای مردمی و دولتی					
۱۹۶۷	سالت‌سین فرانسیسکو- لوس آنجلس	A28	حضور و فعالیت جامعه مهاجران ایتالیایی و ارتباطات اجتماعی میان ساکنان دو شهر	۱۵	جامعه مهاجران، شهروندان، نهادهای آموزشی، نهادهای فرهنگی	فرهنگ، اقتصاد محلی	عملیاتی	برنامه‌های تبادل هنرندان، توسعه گردشگری محلی
		A29	احساس هویت مشترک از طریق میراث فرهنگی و سنت‌های ایتالیایی					
		A30	نقش انجمن‌های فرهنگی، سازمان‌های محلی، و شهروندان در حفظ و تقویت رابطه					
		A31	تعامل مستقیم شهروندان و دانش‌آموزان دو شهر					
		A32	تبادل دانش‌آموزان، گروه‌های آموزشی					
		A33	وجود سازکارهای رسمی و غیر رسمی برای ادامه همکاری					
		A34	قرار گرفتن هر دو شهر در منطقه جنوب غرب آمریکا و شمال مکزیک و وجود تعاملات مرزی					
۱۹۷۶	فینیکس- هوموسینو	A35	همکاری در حوزه تجارت، سرمایه‌گذاری، و ارتباطات اقتصادی منطقه‌ای	۱۳	نهادهای آموزشی، اقتصادی و فرهنگی، حوزه تجاری، انجمن مردمی	صنعت، آموزش، سلامت، مدیریت شهری	راهبردی	تبادل صنعتی همکاری دانشگاهی، برنامه‌های سلامت شهری
		A36	برنامه‌های فرهنگی، هنری، و جشنواره‌های مشترک					
		A37	تبادل دانشجو، برنامه‌های دانشگاهی و تعامل میان مؤسسات آموزشی					
		A38	نقش فعال شهرداری‌ها و سازمان‌های اقتصادی در توسعه رابطه					
		A39	استفاده از روابط خواهرخواندگی برای تقویت همکاری‌های فرامرزی					
		A40	فعالیت سازمان‌های محلی، انجمن‌های فرهنگی					
		A41	استمرار سفرهای هیئت‌های شهری، برنامه‌های آموزشی					
		A42	تمرکز مشترک بر صنعت گردشگری و اقتصاد مبتنی بر رویداد					
۱۹۷۹	آکولاکو- کن	A43	افزایش تبلیغات گردشگری میان دو مقصد	۱۶	نهاد گردشگری	گردشگری و فرهنگی	عملیاتی	تبادل تجربه در مدیریت شهری
		A44	همکاری در برگزاری و توسعه جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی					
		A45	هر دو شهر مقصد مهم گردشگری ساحلی و رویدادهای بین‌المللی هستند.					
		A46	همکاری فعال شهرداری سان‌فرانسیسکو و دولت شهری شانگهای در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها					
۱۹۷۹	سان‌فرانسیسکو- شانگهای	A47	وجود جامعه بزرگ چینی‌تبار در سان‌فرانسیسکو و ارتباطات تاریخی	۲۰	نهادهای مردمی، دانشجویان، نهادهای آموزشی و فرهنگی	آموزش، تجارت، فرهنگ	راهبردی	بیش از ۲۰۰ پروژه مشترک / همکاری در حوزه سبز و حوزه دیجیتال شهری
		A48	ارتباط شرکت‌ها، اتاق‌های بازرگانی، و هیئت‌های تجاری دو شهر					
		A49	برنامه‌های تبادل دانشجو، همکاری دانشگاه‌ها، و برنامه‌های آموزشی					
		A50	مشارکت نهادهای فرهنگی، دانشگاه‌ها، سازمان‌های غیر انتفاعی، و بخش خصوصی					
		A51	برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها، و برنامه‌های فرهنگی					
		A52	رابطه پایدار و متنوع با محور آموزش و فناوری سبز					
		A53	هم‌گرایی هویتی در نقش «شهرهای خلاق» با فرهنگ قوی غذا، هنر، و زندگی شهری					
۱۹۸۰	پورت‌لند- بولینیا	A54	مشارکت فعال دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی در دو شهر به عنوان نهاد میانجی	۱۱	نهادهای مدنی و میانجی، شهرداری، نهادهای آموزشی	فرهنگ، جوانان، پایداری	عملیاتی	برنامه‌های جوانان و تبادلات شهری
		A55	تعبیه شدن همکاری در ساختار رسمی شهرداری و کمیته‌های خواهرشهرها در پورت‌لند					
		A56	استمرار برنامه‌های تبادل نسلی (دانشجو، هنرمند، فعال شهری)					
		A57	پایتخت بودن هر دو شهر که موجب حمایت مستقیم نهادهای دولتی از همکاری شده است.					
۱۹۸۰	آنکارا- کوالالمپور	A58	وجود روابط سیاسی و اقتصادی پایدار میان ترکیه و مالزی	۲۱	نهادهای اقتصادی، نهادهای سیاسی و مردمی	سیاسی- شهری، فرهنگی، اقتصادی	عملیاتی	توسعه همکاری در حوزه مدیریت گردشگری
		A59	اشتراکات فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام					
		A60	برگزاری نشست‌های رسمی و هیئت‌های شهری میان دو شهرداری					
		A61	آنکارا به عنوان مرکز سیاسی و اداری ترکیه					
۱۹۸۰	ایوه‌فوکوئوکا	A62	وجود روابط اقتصادی و فناوری قوی میان ژاپن و مالزی	۱۷	نهادهای آموزشی و گردشگری، خدمات شهری و مردمی	فرهنگ، آموزش، گردشگری	عملیاتی	برگزاری برنامه‌های تبادل فرهنگی و آموزشی
		A63	حمایت فعال شهرداری فوکوئوکا از دیپلماسی شهری در شرق و جنوب شرق آسیا					
		A64	برگزاری برنامه‌های تبادل دانشجویی و فرهنگی که ارتباطات اجتماعی پایدار ایجاد کرده است.					
		A65	اشتراک منافع در توسعه گردشگری شهری و خدمات شهری					
		A66	تداوم ارتباطات رسمی بین شهرداری‌ها از طریق هیئت‌های شهری و برنامه‌های همکاری					

لا سوزا-کراکوف	۱۹۹۵	A115	پشتیبانی نهادی برای استمرار برنامه‌ها و پروژه‌ها	۲	۱۷	نهادهای هنری، فرهنگی و میراث تاریخی	فرهنگی و آموزشی	عملیاتی	افزایش تبادل هنرمندان، پژوهشگران
		A116	اجرای طرح‌های مشترک برای بهبود شرایط زندگی و توانمندسازی جوامع محلی	۲					
		A117	استمرار همکاری‌ها و تبادلات میان شهروندان دو شهر	۴					
		A118	تمرکز دو شهر بر همکاری در حوزه میراث فرهنگی، تاریخ شهری، و فعالیت‌های هنری	۱					
پارک-سنتی-کورنول	۱۹۹۸	A119	مشارکت فعال مراکز فرهنگی، دانشگاه‌ها، و انجمن‌های هنری در توسعه برنامه‌های مشترک	۵	۱۰	نهادهای محیط زیستی و گردشگری	گردشگری، هنری / فرهنگی	عملیاتی	مراکز مشترک هنر و تفریح با بهره‌گیری از تجربیات
		A120	برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌های هنری	۳					
		A121	حمایت مستمر شهرداری‌های دو شهر از برنامه‌های تبادل فرهنگی	۸					
		A122	تمرکز هر دو شهر بر گردشگری کوهستانی و ورزش‌های زمستانی	۳					
		A123	تجربه مشابه در مدیریت پیست‌های اسکی، خدمات گردشگری، و زیرساخت‌های فصلی	۲					
		A124	تبادل دانش در زمینه حفظ محیط زیست، کنترل ظرفیت گردشگران	۲					
ویکتور-ساگای	۱۹۹۸	A125	پشتیبانی فعال شهرداری‌ها از تداوم همکاری	۱	۱۶	نهادهای گردشگری، فرهنگی، جوامع محلی، و آموزشی	گردشگری، هنری و آموزشی	عملیاتی	تقویت روابط آسیا-اقیانوسیه، تبادلات فرهنگی، آموزشی و اقتصادی
		A126	توانایی حفظ همکاری با وجود نوسانات بازار گردشگری	۲					
		A127	تبادلات فرهنگی، هنری، و آموزشی میان دانش‌آموزان و دانشگاه‌ها	۱					
		A128	همکاری در زمینه گردشگری و نمایشگاه‌های فرهنگی ژاپنی در نیوزیلند	۲					
		A129	وجود کمیته رسمی خواهرخواندگی و برنامه‌ریزی سالیانه	۳					
		A130	مشارکت فعال جوامع محلی (انجمن دوستی ژاپن-نیوزیلند)	۴					
فورتورت-میانه	۲۰۰۴	A131	برنامه‌های داوطلبانه برای میزبانی، آموزش زبان، و تاملات جوانان	۱	۱۹	نهادهای خدمات عمومی، گروه‌های محلی و آموزشی	سلامت عمومی و بهداشت	عملیاتی	کلینیک مشترک، مأموریت‌های انسان‌دوستانه
		A132	به‌روز شدن حوزه‌های همکاری متناسب با تحولات	۵					
		A133	تبادل دانش در حوزه اداره شهر، خدمات عمومی، و برنامه‌ریزی شهری	۳					
		A134	اجرای برنامه‌ها و ابتکارهای مشترک برای بهبود زیرساخت‌ها	۲					
		A135	فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای برای شهروندان	۴					
		A136	کمک به ارتقای توان مدیریتی در سطح شهرداری	۲					
سن آنونیو-باگو	۲۰۰۵	A137	برگزاری برنامه‌های فرهنگی برای افزایش شناخت متقابل	۳	۱۳	نهادهای اجتماعی، آموزشی، گردشگری، اقتصادی، شهری	آموزش، سلامت، فرهنگ	عملیاتی	مأموریت‌های سلامت، تبادل دانشگاهی
		A138	نقش انجمن‌ها و گروه‌های محلی در گسترش همکاری	۱					
		A139	ایجاد سازکار رسمی برای برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌ها	۴					
		A140	نقش جامعه فیلیپینی مقیم سن‌آنتونیو در شکل‌گیری و تقویت ارتباطات اجتماعی و فرهنگی میان دو شهر	۴					
		A141	تبادلات فرهنگی و هنری با هدف معرفی فرهنگ فیلیپینی و تگزاسی در رویدادهای شهری	۳					
		A142	برنامه‌های تبادل آموزشی و جوانان برای افزایش شناخت متقابل میان نسل‌های جدید دو شهر	۲					
سانتاگو (شیلی)-پکن (چین)	۲۰۰۷	A143	همکاری در حوزه گردشگری شهری و معرفی ظرفیت‌ها	۲	۱۱	نهادهای مردمی، اقتصادی، محلی، فرهنگی	اقتصادی-فرهنگی	نمادین	گسترش همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری
		A144	تعاملات اقتصادی محدود در سطح محلی	۲					
		A145	هم‌سویی منافع اقتصادی و تجاری دو شهر	۲					
		A146	حمایت و پشتیبانی مستمر دولت‌های محلی و همچنین همکاری در چارچوب روابط دیپلماتیک شیلی و چین	۳					
		A147	مکمل بودن ساختارهای اقتصادی، به‌ویژه در زمینه تجارت مواد معدنی	۲					
		A148	برگزاری منظم دیدارهای رسمی و تبادل هیئت‌های شهری برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی	۴					
شترن-سن‌خوزه	۲۰۱۵	A149	هر دو شهر به‌عنوان قطب‌های فناوری و نوآوری جهانی شناخته می‌شوند.	۱	۱۲	شرکت‌های فناوری، مراکز تحقیقاتی، اتاق‌های بازرگانی	نوآوری، سرمایه‌گذاری، اقلیم	راهبردی	همکاری‌های نوآوری، سرمایه‌گذاری، اقلیم
		A150	تعامل میان شرکت‌های فناوری، استارت‌آپ‌ها، و مراکز تحقیق و توسعه	۳					
		A151	حضور شرکت‌های بزرگ فناوری و سرمایه‌گذاران در همکاری‌ها	۴					
		A152	تعامل میان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی	۱					
		A153	تمرکز همکاری‌ها بر اقتصاد دیجیتال، فناوری پیشرفته، و شهر هوشمند	۱					
		A154	ارتباط میان اتاق‌های بازرگانی، پارک‌های فناوری، و مراکز نوآوری	۲					
فرانکو دا روشا-استاناکرت	۲۰۱۶	A155	حضور جامعه ارمنی در برزیل و نقش آن در شکل‌گیری ارتباطات	۳	۱۷	نهادهای مردمی، اجتماعی، تاریخی، و فرهنگی	فرهنگی و اجتماعی	نمادین	تقویت روابط فرهنگی جامعه ارمنی در برزیل
		A156	استفاده از خواهرخواندگی برای تقویت هویت فرهنگی	۲					
		A157	برگزاری مراسم فرهنگی، نمایشگاه‌ها، و برنامه‌های مشترک اجتماعی	۴					
		A158	مشارکت انجمن‌های فرهنگی و سازمان‌های مردم‌نهاد	۵					
		A159	توسعه پروژه‌های آموزشی برای آشنایی شهروندان با فرهنگ و تاریخ دو جامعه.	۳					

چهارم-بهره-چاکتو	۲۰۱۶	A160	وجود مناطق صنعتی و تولیدی قوی در هر دو شهر	۱۸	نهادهای صنعتی و اقتصادی، تجاری و هیئت‌های اقتصادی مشترک	اقتصادی، صنعتی، فناوری عملیاتی	افزایش همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری
		A161	حمایت سیاست‌های اقتصادی چین برای توسعه همکاری‌های شهری در قالب دیپلماسی شهری				
		A162	موقعیت راهبردی جوهو باهره در نزدیکی سنگاپور که آن را به مرکز مهم سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است.				
		A163	برگزاری نشست‌های تجاری و هیئت‌های اقتصادی مشترک				
		A164	تمرکز همکاری بر پروژه‌های عملی اقتصادی و صنعتی به جای همکاری‌های صرفاً نمادین				
کابو-فریو-هوجو	۲۰۱۸	A165	ایجاد بستر برای جذب سرمایه‌گذاری چینی در حوزه زیرساخت	۱۴	نهادهای تجاری	سرمایه‌گذاری و اقتصادی	نمادین و راهبردی پیوند گردشگری شهری و توسعه صنعتی بین دو شهر
		A166	استفاده از خواهرخواندگی به عنوان ابزار تعامل مستقیم				
		A167	برگزاری برنامه‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های مشترک برای شناخت متقابل جوامع				
		A168	معرفی ظرفیت‌های گردشگری ساحلی کابو فریو به بازار چین				
		A169	انتقال تجربه در برنامه‌ریزی شهری، توسعه صنعتی، و مدیریت شهری هوشمند				
فیروزان-سمرقند	۲۰۱۸	A170	گسترش روابط فرهنگی میان آسیای مرکزی و شمال آفریقا	۱۷	نهادهای مذهبی و گردشگری، فرهنگی و تاریخی	گردشگری و میراث اسلامی	عملیاتی توسعه گردشگری فرهنگی و مذهبی
		A171	اشتراکات تمدنی و تاریخی در جهان اسلام				
		A172	همکاری در حفاظت از میراث فرهنگی و معماری تاریخی				
		A173	توسعه گردشگری مذهبی و فرهنگی				
		A174	تبادل علمی میان دانشگاه‌ها و مراکز مطالعات اسلامی				
سوسه-ویهای	۲۰۱۸	A175	برگزاری جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی مشترک (جشنواره‌های فرهنگی و اسلامی)	۱۴	نهادهای گردشگری، ساحلی و فرهنگی	اقتصادی/تجاری	عملیاتی توسعه همکاری گردشگری
		A176	همکاری در توسعه گردشگری ساحلی و دریایی				
		A177	تقویت روابط تجاری و سرمایه‌گذاری بین شهری				
		A178	دیپلماسی شهری میان شهرداری‌ها				
		A179	تبادل تجربیات در مدیریت بنادر و شهرهای ساحلی				
پورتو موروس-دشین	۲۰۱۹	A180	برگزاری رویدادهای فرهنگی مشترک	۱۴	نهادهای فرهنگی و گردشگری آموزشی	گردشگری	راهبردی همکاری گردشگری
		A181	تبادل دانش شهروندی بین شهروندان شهر				
		A182	تمرکز هر دو شهر بر اقتصاد گردشگری و توسعه پایدار شهری				
		A183	حمایت دولت‌های محلی برای گسترش همکاری‌های بین‌المللی				
		A184	تقویت ارتباطات فرهنگی و آموزشی بین دو شهر				
پوتلان-کارائنا	۲۰۱۹	A185	تبادل تجربه در نوآوری شهری و توسعه اقتصادی محلی	۱۶	نهادهای اقتصادی، میراث فرهنگی	فرهنگی	عملیاتی توسعه همکاری‌های گردشگری
		A186	هر دو شهر دارای میراث جهانی یونسکو و اقتصاد گردشگری قوی هستند.				
		A187	برگزاری برنامه‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های مشترک				
		A188	تبادل تجربیات در مدیریت میراث فرهنگی و بافت تاریخی				
		A189	شباهت ساختار شهری و نیاز مشترک به حفاظت از بافت تاریخی				
پراک-تایبه-چاکتین	۲۰۲۰	A190	اشتراک در ارزش‌های دموکراتیک و حکمرانی شهری شفاف	۱۲	نهادهای سیاسی، اتاق‌های بازرگانی، نوآوری	فرهنگ و حوزه دیپلماسی علم گردشگری	نمادین بازتعریف شرکت به دلیل شرایط بین‌المللی/تبادل فرهنگی و علمی
		A191	هم‌سویی نهادی در سیاست‌های شهری				
		A192	نقش فعال شهرداران و شوراهای شهری در پیشبرد روابط				
		A193	همکاری در حوزه فناوری، نوآوری و استارت‌آپ‌ها				
		A194	ارتباط میان اتاق‌های بازرگانی و بخش خصوصی				
شیکاگو-مسکو	۱۹۹۷-۲۰۲۱	A195	توان مدیریت شهری در حفظ رابطه به‌رغم فشارهای سیاسی خارجی	۱۰	نهادهای دانشگاهی، فرهنگی و آموزشی	دیپلماسی فرهنگی	نمادین توقف رسمی به دلیل جنگ/سیاسی شدن
		A196	گذار سیاسی و فرصت تاریخی پس از جنگ سرد				
		A197	حمایت مدیریت شهری دو طرف				
		A198	تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی				
		A199	تبادلات آموزشی و دانشگاهی				
شفشانو-دیزون	۲۰۲۳	A200	استفاده از شهرها به عنوان کانال اعتمادسازی	۱۳	نهادهای فرهنگی و ذهنی/گردشگری و تاریخی	فرهنگی/گردشگری	عملیاتی تبادل تجربیات در مدیریت گردشگری شهری
		A201	استقلال نسبی دیپلماسی شهری از سطح ملی				
		A202	اشتراک هویت فرهنگی و تاریخی				
		A203	تمرکز بر گردشگری فرهنگی و پایدار				
		A204	حمایت نهادهای محلی و شهرداری‌ها				
رابط-گوانگژو	۲۰۲۵	A205	توسعه همکاری‌های فرهنگی و هنری (برگزاری مراسم فرهنگی بومی و آشنایی فرهنگی)	۱۷	نهادهای اقتصادی، فرهنگی	اقتصادی، شهری، پژوهشی	عملیاتی افزایش تبادلات شهری و نمایشگاهی
		A206	حفاظت از میراث تاریخی و معماری				
		A207	هم‌سویی اقتصادی و نقش هر دو شهر به عنوان مراکز مهم منطقه‌ای				
		A208	حمایت سیاسی و تقویت روابط ملی میان چین و مراکش				
		A209	ظرفیت بالای گوانگژو در انتقال فناوری و تجربه مدیریت شهری				
		A210	وجود سازکار فعال دیپلماسی شهری و تبادل هیئت‌های رسمی				
		A211	تمرکز بر پروژه‌های عملی در حوزه تجارت				
		A212	استمرار تعاملات نهادی میان شهرداری‌ها				

تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات موردی شامل ۵۱۸ مفهوم و کدگذاری ۲۱۲ مضمون پایه نشان داد که مفاهیم استخراج‌شده را می‌توان در قالب ۹ مضمون سازمان‌دهنده طبقه‌بندی کرد. این مضامین سازمان‌دهنده، به عنوان سطح میانی تحلیل، مجموعه‌ای از مضامین پایه با محتوای مفهومی مشابه را در بر می‌گیرند و چارچوبی منسجم برای تبیین ابعاد مختلف روابط خواهرخواندگی شهری فراهم می‌کنند. بر این اساس، کدهای استخراج‌شده در ۹ حوزه اصلی شامل دیپلماسی فرهنگی و حافظه تاریخی شهری، همکاری‌های اقتصادی و تجاری، تبادلات علمی و آموزشی، حکمرانی و نهادینه‌سازی همکاری‌های شهری، مشارکت اجتماعی و شبکه‌سازی مردمی، گردشگری و مدیریت رویدادهای شهری، نوآوری فناورانه و اقتصاد سبز شهری، تاب‌آوری شهری و مدیریت بحران، و هم‌گرایی هویتی و اجتماعی سازمان‌دهی شدند (جدول ۴).

جدول ۴. توزیع فراوانی مضامین سازمان‌دهنده استخراج‌شده از تجارب جهانی خواهرخواندگی شهری بر اساس حوزه موضوعی

مضامین سازمان‌دهنده	نوع دیپلماسی	کد مضمون پایه (پشتیبان)
ترویج دیپلماسی فرهنگی و تقویت حافظه جمعی شهری	دیپلماسی فرهنگی	A1, A2, A3, A4, A8, A9, A15, A21, A27, A30, A36, A40, A43, A50, A58, A68, A71, A72, A73, A74, A76, A77, A80, A81, A85, A91, A97, A98, A107, A118, A119, A120, A121, A127, A137, A138, A156, A157, A159, A167, A171, A172, A173, A175, A180, A184, A187, A188, A198, A202, A203, A205, A206
توسعه همکاری‌های اقتصادی و ارتقای دیپلماسی تجاری شهری	دیپلماسی اقتصادی	A22, A24, A25, A26, A35, A47, A66, A82, A84, A87, A93, A104, A143, A144, A145, A147, A160, A163, A164, A177, A185, A194, A207, A211
تقویت تبادلات علمی، آموزشی، و دانشگاهی میان شهرها	دیپلماسی آموزشی	A12, A20, A32, A37, A48, A63, A67, A86, A99, A114, A135, A142, A152, A174, A199
ارتقای حکمرانی شهری و نهادینه‌سازی همکاری‌های بین شهری	دیپلماسی حکمرانی	A5, A13, A23, A33, A38, A39, A45, A54, A56, A59, A62, A65, A78, A83, A88, A96, A106, A115, A125, A133, A139, A146, A148, A161, A178, A183, A191, A192, A195, A197, A210, A212
توسعه شبکه‌سازی اجتماعی و مشارکت شهروندی در عرصه بین‌المللی	دیپلماسی فرهنگی	A6, A10, A11, A18, A49, A53, A69, A100, A101, A105, A113, A130, A140, A155, A158, A181, A200, A204
رونق گردشگری پایدار و مدیریت هوشمند رویدادهای شهری	دیپلماسی گردشگری	A41, A42, A44, A64, A94, A123, A126, A168, A176, A182, A186
نوآوری فناورانه و پیشگامی در دیپلماسی اقتصاد سبز شهری	دیپلماسی سبز	A51, A132, A134, A149, A150, A151, A153, A154, A169, A193
تاب‌آوری شهری، مدیریت ریسک و توسعه ظرفیت‌های مقابله با بحران	دیپلماسی مدیریت بحران	A19, A70, A112, A124
تعمیق همبستگی اجتماعی، هم‌گرایی هویتی، و انسجام فرهنگی	دیپلماسی فرهنگی	A7, A28, A29, A31, A46, A52, A55, A57, A61, A75, A109, A117, A131, A141, A170, A190, A201, A208, A209

نخستین مضمون ترویج دیپلماسی فرهنگی و تقویت حافظه جمعی شهری است که بیشترین فراوانی را در میان کدها به خود اختصاص داده و نشان می‌دهد ریشه‌دارترین و پایدارترین شکل تعامل بین شهرها بر بنیان اشتراکات فرهنگی و تاریخی و میراث مشترک بنا شده است. این مضمون عمدتاً در سطح «دیپلماسی نمادین» فعال است و نقش پیونددهنده و مشروعیت‌بخش برای سایر همکاری‌ها را ایفا می‌کند. مضمون دوم توسعه همکاری‌های اقتصادی و ارتقای دیپلماسی تجاری شهری است که بیانگر گذار تعاملات از سطح نمادین به سطح «عملیاتی و راهبردی» است و شهرها را به سمت افزایش سرمایه‌گذاری مشترک، فرصت‌های تجاری، و پروژه‌های زیرساختی سوق می‌دهد. مضمون سوم تبادلات علمی و آموزشی و دانشگاهی است که یکی از ستون‌های اصلی تقویت ظرفیت‌های انسانی و انتقال دانش میان شهرها را تشکیل می‌دهد. این مضمون در سطح «دیپلماسی عملیاتی» عمل می‌کند و با ایجاد پیوندهای دانشگاهی و پژوهشی و مهارتی به ارتقای قابلیت‌های بلندمدت شبکه خواهرخواندگی کمک می‌کند. مضمون چهارم ارتقای حکمرانی شهری و نهادینه‌سازی همکاری‌هاست که به سازکارهای مدیریتی، توافق‌نامه‌های رسمی، کمیته‌های مشترک، و چارچوب‌های نهادی همکاری اشاره دارد. این مضمون که میان دیپلماسی نمادین و راهبردی حرکت می‌کند شالوده سازمانی لازم برای پایداری روابط را فراهم می‌سازد. مضمون پنجم مشارکت شهروندی و شبکه‌سازی اجتماعی است که بر نقش جوامع محلی، انجمن‌ها، و بخش مردم‌نهاد در پویایی روابط خواهرخواندگی تأکید دارد. این سطح از

تعامل نشان می‌دهد که پایداری روابط میان شهرها تنها با اراده مدیران شهری ممکن نیست و مشارکت اجتماعی یک محرک کلیدی برای تعمیق همکاری‌ها به شمار می‌رود. در مضمون ششم، گردشگری و مدیریت رویدادهای شهری به عنوان یکی از حوزه‌های مهم دیپلماسی شهری روابط خواهرخواندگی را در سطح عملیاتی تقویت می‌کند و به تبادل فرهنگی و رونق اقتصادی و تثبیت برند شهری یاری می‌رساند. مضمون هفتم نوآوری فناورانه و دیپلماسی اقتصاد سبز است که چرخش جدیدی در روابط خواهرخواندگی معاصر نشان می‌دهد؛ جایی که شهرها از این روابط به عنوان بستری برای تبادل فناوری‌های نو، اقتصاد پاک، و نوآوری شهری استفاده می‌کنند. این مضمون نمایانگر بالاترین سطح «دیپلماسی راهبردی» است و بیش از هر حوزه دیگری آینده‌محور و مسئله‌محور است. مضمون هشتم تاب‌آوری شهری و مدیریت بحران است که به‌ویژه در دوره پسا کرونا اهمیت یافته است و نشان می‌دهد که همکاری‌های بین‌شهری می‌تواند به اشتراک تجربه و ارتقای مدیریت بحران و توسعه ظرفیت‌های ریسک کمک کند. در نهایت، مضمون نهم تعمیق همبستگی اجتماعی و هم‌گرایی هویتی است که بار دیگر تأکید می‌کند رویکردهای فرهنگی و اجتماعی در قلب روابط خواهرخواندگی قرار دارند. این مضمون بیانگر آن است که روابط موفق، علاوه بر منافع اقتصادی و تکنیکی، باید بر احساس مشترک هویت و همبستگی و نزدیکی اجتماعی نیز بنا شود. در مجموع، تحلیل مضامین سازمان‌دهنده نشان می‌دهد که روابط خواهرخواندگی موفق زمانی شکل می‌گیرد که دیپلماسی نمادین (هویت‌ساز)، دیپلماسی عملیاتی (پروژه‌محور)، و دیپلماسی راهبردی (توسعه‌محور) به شکل مکمل در کنار هم قرار گیرند. این الگوی چندسطحی شهرها را قادر می‌سازد تا از تعاملات نمادین اولیه عبور و به سمت شبکه‌های پایدار و مؤثر همکاری در حوزه‌های اقتصادی، فناورانه، اجتماعی، و محیطی حرکت کنند. تحلیل مضامین سازمان‌دهنده نشان می‌دهد که یافته‌های پژوهش با منطق حکمرانی چندسطحی و شبکه‌های سیاستی همخوانی قابل توجهی دارند. حضور هم‌زمان مضامینی نظیر حکمرانی شهری، مشارکت اجتماعی، تبادلات علمی، همکاری‌های اقتصادی، و شبکه‌سازی شهروندی نشان می‌دهد که موفقیت روابط خواهرخواندگی صرفاً حاصل تعامل میان دو شهرداری نیست، بلکه نتیجه مشارکت شبکه‌ای مجموعه‌ای از بازیگران در سطوح مختلف محلی و ملی و بین‌المللی است. از این منظر، روابط خواهرخواندگی را می‌توان نوعی سازکار حکمرانی چندسطحی دانست که در آن دیپلماسی شهری از طریق شبکه‌های همکاری میان بازیگران مختلف تحقق می‌یابد.

بحث

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل مضامین تجارب موفق جهانی در حوزه روابط خواهرخواندگی شهری مورد تفسیر و کاربردی‌سازی قرار می‌گیرد. بدین منظور، نتایج پژوهش در دو سطح مورد بحث قرار گرفته است. نخست، مضامین استخراج‌شده در بستر نهادی و مدیریتی شهر تهران ارزیابی می‌شود تا میزان اهمیت، اولویت، و قابلیت اجرای آن‌ها در شرایط کنونی مدیریت شهری تهران مشخص شود. دوم، بر اساس الگوی به‌دست‌آمده از تجارب جهانی و نتایج تحلیل بافتاری تهران، چارچوبی مفهومی برای تبیین روند تدریجی توسعه روابط خواهرخواندگی شهری ارائه می‌شود. به این ترتیب، بخش بحث و تفسیر یافته‌ها در دو زیربخش «تحلیل بافتاری تهران و دلالت‌های سیاستی» و «مدل فرایندی توسعه روابط خواهرخواندگی شهری» سازمان‌دهی شده است.

تحلیل بافتاری تهران و دلالت‌های سیاستی

در این بخش، میزان اهمیت و قابلیت اجرای هر یک از مضامین سازمان‌دهنده در شرایط کنونی شهر تهران بر اساس قضاوت یک پل خبرگی متشکل از ۱۲ نفر از متخصصان حوزه دیپلماسی شهری، مدیریت شهری، و برنامه‌ریزی شهری مورد ارزیابی قرار گرفته است. هدف از این ارزیابی اولویت‌بندی مضامین استخراج‌شده از تجارب بین‌المللی در چارچوب شرایط نهادی و اجرایی تهران و سنجش امکان‌پذیری نسبی آن‌ها در مرحله فعلی توسعه روابط خواهرخواندگی شهری است. داده‌ها با استفاده از مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از ۱ تا ۵ گردآوری و میانگین امتیاز هر مضمون محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها نیز از آزمون فریدمن به عنوان یک روش ناپارامتریک رتبه‌بندی استفاده شد. بدیهی است که این تحلیل ماهیت اکتشافی دارد و نتایج آن به منزله

تعمیم به کل جامعه متخصصان تلقی نمی‌شود. علاوه بر تحلیل کمی، برای هر مضمون مجموعه‌ای از پیشنهادهای سیاستی و اجرایی متناسب با شرایط شهر تهران نیز ارائه شده است.

جدول ۴. ارزیابی مضامین سازمان‌دهنده روابط خواهرخواندگی برای شهر تهران

مضمون سازمان‌دهنده	میانگین امتیاز (۱ تا ۵)	میانگین امتیاز فریدمن	میانگین رتبه فریدمن	پیشنهاد سیاستی برای تهران
دیپلماسی فرهنگی و تقویت حافظه تاریخی شهری	۴۶۰	۷۹۲	۱	بهره‌گیری از ظرفیت موزه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی بین‌المللی برای ایجاد هویت مشترک شهری و تقویت برند فرهنگی تهران؛ ایجاد هفته‌های فرهنگی مشترک میان تهران و شهرهای خواهرخوانده با محوریت هنر، موسیقی، و میراث فرهنگی؛ توسعه برنامه‌های تبادل هنرمندان، نمایشگاه‌های هنری مشترک، و پروژه‌های فرهنگی میان شهری.
تبادلات علمی، آموزشی، و دانشگاهی	۴۴۲	۷۲۳	۲	گسترش همکاری میان دانشگاه‌های تهران با مؤسسات علمی شهرهای خواهرخوانده، برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو و یادگیری شهری؛ ایجاد شبکه پژوهشی مشترک میان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی شهرهای خواهرخوانده در حوزه مدیریت شهری؛ برگزاری کنفرانس‌ها و کارگاه‌های علمی مشترک در زمینه نوآوری شهری، برنامه‌ریزی شهری، و توسعه پایدار.
همکاری‌های اقتصادی و دیپلماسی تجاری شهری	۴۲۰	۶۶۱	۳	ایجاد اتاق‌های مشترک تجارت شهری، نمایشگاه‌های اقتصادی میان شهری، و حمایت از صنایع خلاق شهری با محوریت خواهرشهرها؛ توسعه پلتفرم‌های دیجیتال برای معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری شهری میان شهرهای خواهرخوانده؛ ایجاد برنامه‌های حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوآور با مشارکت شهرهای همکار.
گردشگری و مدیریت رویدادهای شهری	۳۹۸	۵۹۸	۴	استفاده از رویدادهای فرهنگی، ورزشی، و نمایشگاهی برای ارتقای گردشگری بین‌شهری و تقویت تصویر جهانی تهران؛ طراحی بسته‌های گردشگری مشترک میان تهران و شهرهای خواهرخوانده برای جذب گردشگران بین‌المللی؛ همکاری در برگزاری فستیوال‌ها و رویدادهای بین‌المللی شهری با مشارکت شهرهای همکار.
حکمرانی شهری و نهادهای همکاری‌ها	۳۷۵	۵۳۶	۵	تشکیل دفتر یا دبیرخانه دائمی امور خواهرخواندگی زیرمجموعه شهرداری تهران و تدوین برنامه راهبردی روابط بین‌شهری؛ تدوین چارچوب ارزیابی عملکرد و شاخص‌های سنجش موفقیت همکاری‌های خواهرخواندگی.
مشارکت اجتماعی و شبکه‌سازی شهروندی	۳۵۵	۴۷۲	۶	استفاده از ظرفیت سازمان مردم‌نهاد و انجمن‌های مردمی در تحقق پروژه‌های فرهنگی و محیط زیستی مشترک میان شهرهای همکار.
تاب‌آوری شهری و همکاری در مدیریت بحران	۳۳۳	۴۰۸	۷	توسعه طرح‌های تبادل تجربه در مدیریت بحران و بلایای طبیعی، ویژه شهرهای دارای شرایط اقلیمی مشابه؛ ایجاد شبکه تبادل داده و تجربه میان شهرها برای مدیریت ریسک و کاهش آسیب‌پذیری شهری.
نوآوری فناوریانه و اقتصاد سبز شهری	۳۱۲	۳۵۱	۸	انعقاد تفاهم‌نامه‌های دوجانبه برای همکاری در پروژه‌های شهر هوشمند و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر.
هم‌گرایی هویتی و دیپلماسی اجتماعی	۲۹۵	۲۵۹	۹	تمرکز بر پروژه‌های مشترک فرهنگی میان شهروندان (هنر خیابانی، نمایشگاه‌های دوجانبه) برای تعمیق حمایت از تولیدات رسانه‌ای و فرهنگی مشترک برای تقویت شناخت متقابل و همگرایی هویتی شهروندان.

آزمون فریدمن نشان داد تفاوت میان مضامین سازمان‌دهنده از نظر امتیاز خبرگان معنادار است ($p < 0.05$). این امر بیانگر آن است که تفاوت در رتبه‌بندی مضامین تصادفی نیست و الگوی مشخصی از اولویت‌بندی در میان خبرگان وجود دارد. همچنین مقدار ضریب توافق کندانال نشان‌دهنده سطح متوسط تا نسبتاً مطلوب همگرایی در دیدگاه خبرگان است که بیانگر انسجام قابل قبول در ارزیابی‌هاست. بر این اساس، سه مضمون نخست (فرهنگی، علمی، اقتصادی) در شرایط کنونی شهر تهران دارای اولویت اجرایی بالاتر است و مضامین مرتبط با نوآوری فناورانه، تاب‌آوری، و هم‌گرایی هویتی در افق بلندمدت توسعه روابط خواهرخواندگی قابل پیگیری هستند.

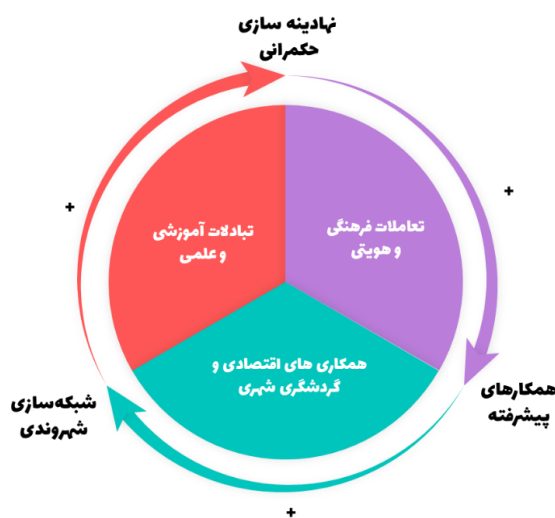
نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که در میان ۹ مضمون سازمان‌دهنده دیپلماسی فرهنگی و تقویت حافظه تاریخی شهری، با میانگین امتیاز ۴/۶۰ و میانگین رتبه ۷/۹۲، در جایگاه نخست قرار گرفته است. این یافته نشان می‌دهد که از دید خبرگان مؤثرترین و فوری‌ترین حوزه برای آغاز یا تقویت روابط خواهرخواندگی تهران حوزه فرهنگی است. زیرا این حوزه کمترین هزینه نهادی، بیشترین ظرفیت نمادین، و بالاترین قابلیت ایجاد اعتماد متقابل میان شهرها را دارد. در همین زمینه، بهره‌گیری از موزه‌ها، جشنواره‌های فرهنگی بین‌المللی، هفته‌های فرهنگی مشترک، و تبادل هنرمندان می‌تواند به عنوان ابزارهای عملی این رویکرد به کار گرفته شود. در رتبه دوم، تبادلات علمی و آموزشی و دانشگاهی، با میانگین امتیاز ۴/۴۲ و رتبه ۷/۲۳، قرار دارد. این نتیجه بیانگر آن است که خبرگان همکاری‌های دانشگاهی و علمی را یکی از مهم‌ترین مسیرهای نهادینه‌سازی روابط خواهرخواندگی در تهران ارزیابی کرده‌اند. ایجاد شبکه‌های پژوهشی مشترک، تبادل استاد و دانشجو، و توسعه همکاری میان دانشگاه‌های تهران و دانشگاه‌های شهرهای خواهرخوانده می‌تواند به تعمیق روابط و افزایش پایداری آن‌ها کمک کند. در رتبه سوم، همکاری‌های اقتصادی و دیپلماسی تجاری شهری، با میانگین امتیاز ۴/۲۰ و رتبه ۶/۶۱ قرار گرفته است. این مضمون نشان می‌دهد که از نظر خبرگان روابط خواهرخواندگی زمانی از سطح نمادین فراتر می‌رود که به منافع اقتصادی قابل لمس نیز متصل شود. در این زمینه، تشکیل اتاق‌های مشترک تجارت شهری، برگزاری نمایشگاه‌های اقتصادی میان‌شهری، و ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال برای سرمایه‌گذاری شهری می‌تواند نقش مهمی در تقویت این بعد از روابط ایفا کند. در رتبه چهارم، گردشگری و مدیریت رویدادهای شهری، با میانگین امتیاز ۳/۹۸ و رتبه ۵/۹۸، قرار دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که گردشگری شهری، به‌ویژه از طریق رویدادهای فرهنگی و ورزشی و نمایشگاهی، می‌تواند به عنوان یک پیشران مکمل برای گسترش روابط خواهرخواندگی عمل کند و زمینه دیده شدن متقابل شهرها را فراهم سازد. در رتبه پنجم، حکمرانی شهری و نهادینه‌سازی همکاری‌ها، با میانگین امتیاز ۳/۷۵ و رتبه ۵/۳۶، قرار دارد. اهمیت این مضمون نشان می‌دهد که روابط خواهرخواندگی بدون سازکار نهادی پایدار از سطح توافق‌های مقطعی و تشریفاتی فراتر نمی‌رود. از این رو، تشکیل دبیرخانه دائمی امور خواهرخواندگی در شهرداری تهران و تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد می‌تواند به نهادینه‌سازی این روابط کمک کند. در رتبه ششم، مشارکت اجتماعی و شبکه‌سازی شهروندی، با میانگین امتیاز ۳/۵۵ و رتبه ۴/۷۲، قرار دارد. این یافته بیانگر آن است که مشارکت نهادهای مدنی و انجمن‌های فرهنگی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند روابط بین‌شهری را از سطح روابط رسمی میان مدیران شهری به سطح تعاملات اجتماعی و مردمی ارتقا دهد. در رتبه هفتم، تاب‌آوری شهری و همکاری در مدیریت بحران، با میانگین امتیاز ۳/۳ و رتبه ۴/۰۸، قرار دارد. این مضمون نشان می‌دهد که هرچند همکاری در حوزه بحران و تاب‌آوری از نظر راهبردی مهم است، در شرایط کنونی تهران هنوز در اولویت‌های نخست قرار ندارد و نیازمند زیرساخت‌های اجرایی و هماهنگی نهادی بیشتری است. در رتبه هشتم، نوآوری فناورانه و اقتصاد سبز شهری، با میانگین امتیاز ۳/۱ و رتبه ۳/۵۱، قرار گرفته است. این یافته حاکی از آن است که هرچند این حوزه‌ها در افق بلندمدت اهمیت دارند، از نظر خبرگان برای مرحله فعلی روابط خواهرخواندگی تهران هنوز در سطح اولویت‌های اجرایی قرار ندارند و بیشتر جنبه تکمیلی دارند. در نهایت، هم‌گرایی هویتی و دیپلماسی اجتماعی، با میانگین امتیاز ۲/۹۵ و رتبه ۲/۵۹، پایین‌ترین جایگاه را به خود اختصاص داده است. این امر می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که در شرایط کنونی خبرگان تحقق این نوع هم‌گرایی را دشوارتر و کمتر عملیاتی ارزیابی کرده‌اند؛ هرچند در سطح نظری همچنان بخشی مهم از فرایند توسعه روابط خواهرخواندگی به شمار می‌رود.

آزمون فریدمن نیز نشان داد که تفاوت میان مضامین سازمان‌دهنده از نظر میزان اهمیت و قابلیت اجرا معنادار است. این نتیجه بیانگر آن است که همه مضامین در یک سطح از آمادگی یا اولویت قرار ندارند و باید در طراحی سیاست‌های شهری

ترتیبی سلسله‌مراتبی برای اجرا در نظر گرفته شود. همچنین ضریب توافق کنдал نشان داد که میزان همگرایی دیدگاه خبرگان در سطحی متوسط تا نسبتاً مطلوب قرار دارد و بنابراین می‌توان این الگوی اولویت‌بندی را مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری مرحله‌ای در حوزه روابط خواهرخواندگی تهران دانست.

مدل فرایندی توسعه روابط خواهرخواندگی شهری

یافته‌های حاصل از تحلیل تجارب موفق جهانی و نیز ارزیابی بافت تهران نشان می‌دهد که روابط خواهرخواندگی شهری را نمی‌توان صرفاً به صورت مجموعه‌ای از حوزه‌های همکاری مستقل و هم‌عرض فهم کرد؛ بلکه این روابط در عمل در قالب یک فرایند تدریجی و مرحله‌ای شکل می‌گیرند. در این فرایند، برخی مضامین نقش آغازگر دارند و برخی دیگر در مراحل پیشرفته‌تر و پس از شکل‌گیری اعتماد و شناخت متقابل و نهادهای همکاری قابل تحقق می‌شوند. به بیان دیگر، مسیر توسعه روابط خواهرخواندگی از سطح تعاملات نمادین و هویتی آغاز می‌شود و به تدریج به سمت همکاری‌های نهادی و تخصصی و راهبردی حرکت می‌کند. بر این اساس، می‌توان مدل فرایندی توسعه روابط خواهرخواندگی شهری را در چهار مرحله اصلی صورت‌بندی کرد. در مرحله نخست، تعاملات فرهنگی و هویتی قرار دارند که شامل دیپلماسی فرهنگی، حافظه تاریخی شهری، تبادل هنرمندان، و برگزاری رویدادهای فرهنگی مشترک است. این مرحله نقش زمینه‌ساز دارد و بستر اعتماد و شناخت اولیه میان شهرها را فراهم می‌کند. در مرحله دوم تبادلات علمی و آموزشی به عنوان سطحی عمیق‌تر از همکاری شکل می‌گیرد. در این مرحله، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و شبکه‌های علمی میان شهرها وارد تعامل می‌شوند و روابط از سطح نمادین به سطح دانشی ارتقا می‌یابد. مرحله سوم همکاری‌های اقتصادی، گردشگری، و خدمات شهری است. در این سطح، روابط خواهرخواندگی از حوزه‌های نرم فرهنگی و علمی فراتر می‌رود و به منافع ملموس شهری متصل می‌شود. تشکیل اتاق‌های مشترک تجارت شهری، توسعه رویدادهای گردشگری، و همکاری در جذب سرمایه‌گذاری از اجزای این مرحله به شمار می‌رود. در مرحله چهارم، نهادهای حکمرانی شهری و همکاری‌های پیشرفته قرار دارد. در این مرحله، روابط خواهرخواندگی از یک تعامل دوره‌ای به یک سازکار پایدار، دارای دبیرخانه، برنامه مشترک، و شاخص‌های ارزیابی عملکرد تبدیل می‌شود و ظرفیت ورود به حوزه‌هایی مانند تاب‌آوری شهری، نوآوری فناورانه، و اقتصاد سبز نیز فراهم می‌آید. بنابراین، مدل فرایندی پیشنهادی نشان می‌دهد توسعه روابط خواهرخواندگی شهری یک مسیر خطی ساده نیست، بلکه فرایندی تدریجی و انباشتی و وابسته به سطح اعتماد و ظرفیت نهادی است. این مدل می‌تواند به عنوان مبنایی برای طراحی مرحله‌ای سیاست‌های شهری در تهران مورد استفاده قرار گیرد؛ به گونه‌ای که ابتدا بر حوزه‌های کم‌هزینه‌تر و اعتمادساز مانند فرهنگ و آموزش تمرکز شود و سپس همکاری‌ها به سمت حوزه‌های نهادی و راهبردی گسترش یابد (شکل ۱۱).



شکل ۱۱. مدل فرایندی توسعه روابط خواهرخواندگی شهری

نتیجه

هدف این پژوهش تحلیل تجارب موفق جهانی در حوزه روابط خواهرخواندگی شهری و بازاندیشی در سیاست‌های دیپلماسی شهری تهران بر اساس این تجارب بود. در این زمینه، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، مهم‌ترین مضامین شکل‌دهنده روابط موفق میان شهرهای خواهرخوانده استخراج شد و سپس قابلیت اجرا و اولویت آن‌ها در بستر نهادی و مدیریتی شهر تهران با استفاده از نظر یک پنل خبرگی مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی شهری می‌تواند از یک مفهوم نمادین و تشریفاتی فراتر رود و به ابزاری عملی برای توسعه پایدار شهری و ارتقای جایگاه بین‌المللی تهران تبدیل شود. نتایج نشان داد موفقیت روابط خواهرخواندگی نه در تعداد توافق‌نامه‌ها بلکه در عمق و کیفیت همکاری‌های فرهنگی، علمی، و اقتصادی نهفته است. بر این اساس، حوزه‌هایی مانند دیپلماسی فرهنگی، تبادلات علمی، و همکاری‌های اقتصادی از دید خبرگان دارای بالاترین اولویت اجرایی برای توسعه روابط بین‌شهری تهران هستند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که توسعه روابط خواهرخواندگی شهری فرایندی تدریجی و مرحله‌ای است که از تعاملات فرهنگی و هویتی آغاز و در ادامه از طریق همکاری‌های علمی و اقتصادی و نهادی به سطوح پیشرفته‌تری از همکاری میان شهرها منتهی می‌شود.

از منظر نظری، این پژوهش با ترکیب تحلیل تجارب جهانی و ارزیابی بافت محلی تهران تلاش کرده است چارچوبی مفهومی برای تبیین فرایند توسعه روابط خواهرخواندگی شهری ارائه دهد. مدل فرایندی پیشنهادی نشان می‌دهد که مضامین مختلف همکاری میان شهرها در یک مسیر تدریجی و انباشتی شکل می‌گیرند و برخی حوزه‌ها نقش آغازگر و اعتمادساز دارند و برخی دیگر در مراحل پیشرفته‌تر همکاری قابل تحقق هستند. این چارچوب می‌تواند به غنای مباحث دیپلماسی شهری و مطالعات روابط بین‌شهری کمک کند و مبنایی مفهومی برای تحلیل سیاست‌های شهری در زمینه همکاری‌های فراملی فراهم آورد.

در سطح کاربردی و سیاستی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت شهری تهران برای بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت روابط خواهرخواندگی لازم است از رویکرد صرفاً نمادین فاصله بگیرد و این روابط را در قالب برنامه‌های عملی و پروژه‌محور ساماندهی کند. در این زمینه، ایجاد سازکارهای نهادی پایدار مانند دبیرخانه دائمی روابط بین‌شهری، تقویت همکاری میان دانشگاه‌ها و نهادهای علمی شهرهای خواهرخوانده، توسعه رویدادهای فرهنگی و گردشگری مشترک، و ایجاد بسترهای همکاری اقتصادی و نوآورانه می‌تواند به تقویت کارکردهای عملی دیپلماسی شهری تهران کمک کند. چنین رویکردی می‌تواند زمینه انتقال دانش مدیریتی، یادگیری سیاستی، و گسترش شبکه‌های همکاری میان شهرها را نیز فراهم سازد.

با وجود این، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. از جمله مهم‌ترین محدودیت‌ها می‌توان به اتکای تحلیل بافتاری تهران بر نظر یک پنل خبرگی محدود و همچنین محدود بودن داده‌های تجربی در زمینه عملکرد واقعی روابط خواهرخواندگی تهران اشاره کرد. از این رو، نتایج این پژوهش بیشتر ماهیتی اکتشافی دارد و می‌تواند مبنایی برای مطالعات تکمیلی در این حوزه باشد.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده تحلیل شبکه‌ای روابط بین‌شهری تهران، بررسی نقش کنشگران غیردولتی در دیپلماسی شهری، و مطالعه تطبیقی تجربه سایر کلان‌شهرها در مدیریت روابط خواهرخواندگی مورد توجه قرار گیرد. همچنین توسعه مدل‌های تحلیلی برای سنجش اثر اقتصادی و فرهنگی و مدیریتی روابط بین‌شهری می‌تواند به درک دقیق‌تر کارکردهای دیپلماسی شهری در برنامه‌ریزی و حکمرانی شهری کمک کند.

منابع

- داداش پور، هاشم، وحیدبافنده، مانا، پناهی، محمد مهدی و داداش پور، مائده. (۱۴۰۵). شهرها به مثابه بازیگران دیپلماتیک: مرور نظام‌مند سازوکار خواهرخواندگی شهری. فصلنامه مطالعات شهری، ۱۵(۵۹)، ۷۵-۵۵. doi: 10.22034/urbs.2026.145423.5254
- Acuto, M. (2013). Global cities, governance and diplomacy: The urban link. Routledge. DOI: 10.4324/9780203073810.
- Acuto, M. (2016). Give cities a seat at the top table. *Nature*, 537(7622), 611-613. DOI: 10.1038/537611a.
- Acuto, M., & Leffel, B. (2021). Understanding the global ecosystem of city networks. *Urban Studies*, 58(9), 1758-1774. DOI: 10.1177/0042098020929261.
- Acuto, M., & Rayner, S. (2016). City networks: Breaking gridlocks or forging (new) lock-ins? *International Affairs*, 92(5), 1147-1166. DOI: 10.1111/1468-2346.12700.
- Bache, I., & Flinders, M. (Eds.). (2004). Multi-level governance. Oxford University Press. DOI: 10.1093/0199259259.001.0001.
- Barber, B. R. (2013). If mayors ruled the world: Dysfunctional nations, rising cities. Yale University Press.
- Börzel, T. A. (1998). Organizing Babylon: On the different conceptions of policy networks. *Public Administration*, 76(2), 253-273. DOI: 10.1111/1467-9299.00100.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. DOI: 10.1191/1478088706qp063oa.
- Clarke, N. (2011). Globalising care? Town twinning in Britain since 1945. *Geoforum*, 42(1), 115-125. DOI: 10.1016/j.geoforum.2010.10.006.
- Cremer, R. D., De Bruin, A., & Dupuis, A. (2001). International sister-cities: Bridging the global-local divide. *The American Journal of Economics and Sociology*, 60(1), 377-401. DOI: 10.1111/1536-7150.00066.
- Curtis, S. (2016). Cities and global governance: State failure or a new global order? *Millennium: Journal of International Studies*, 44(3), 455-477. DOI: 10.1177/0305829816637233.
- Dadashpoor, H., Vahidbafandeh, M., Panahi, M. M. and Dadashpour, M. (2026). Cities as Diplomatic Actors: A Systematic Review of Urban Sister City Mechanisms. *Motaleate Shahri*, 15(59), 55-75. doi: 10.22034/urbs.2026.145423.5254. (in Persian).
- Hocking, B., Melissen, J., Riordan, S., & Sharp, P. (2012). Futures for diplomacy: Integrative diplomacy in the 21st century. The Hague: Netherlands Institute of International Relations "Clingendael."
- Hooghe, L., & Marks, G. (2001). Multi-level governance and European integration. Rowman & Littlefield.
- Hooghe, L., & Marks, G. (2003). Unraveling the central state, but how? Types of multi-level governance. *American Political Science Review*, 97(2), 233-243. DOI: 10.1017/S0003055403000649.
- Jayne, M., Hubbard, P., & Bell, D. (2011). Worlding a city: Twinning and urban theory. *City*, 15(1), 25-41. DOI: 10.1080/13604813.2010.511859.
- Jayne, M., Hubbard, P., & Bell, D. (2013). Twin cities: Territorial and relational geographies of "worldly" Manchester. *Urban Studies*, 50(2), 239-254. DOI: 10.1177/0042098012450480.
- Klijn, E.-H. (1996). Analyzing and managing policy processes in complex networks: A theoretical examination of the concept policy network and its problems. *Administration & Society*, 28(1), 90-119. DOI: 10.1177/009539979602800104.
- Kuznetsov, A. S. (2015). Theory and practice of paradiplomacy: Subnational governments in international affairs. Routledge. DOI: 10.4324/9781315817088.
- Marsh, D., & Rhodes, R. A. W. (Eds.). (1992). Policy networks in British government. Oxford University Press. DOI: 10.1093/acprof:oso/9780198278528.001.0001.
- McCann, E. (2011). Urban policy mobilities and global circuits of knowledge: Toward a research agenda. *Annals of the Association of American Geographers*, 101(1), 107-130. DOI: 10.1080/00045608.2010.520219.
- Nijman, J. E. (2016). Renaissance of the city as global actor: The role of foreign policy and international law practices in the construction of cities as global actors. In G. Hellmann, A. Fahrmeir, & M. Vec (Eds.), *The transformation of foreign policy: Drawing and managing boundaries from antiquity to the present* (pp. 209-241). Oxford University Press. DOI: 10.1093/acprof:oso/9780198783862.003.0010.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (2015). *Governing the city*. Paris: OECD Publishing. 196 pp. DOI: 10.1787/9789264226500-en.
- Piattoni, S. (2010). The theory of multi-level governance: Conceptual, empirical, and normative challenges. Oxford University Press. DOI: 10.1093/acprof:oso/9780199562923.001.0001.
- Rhodes, R. A. W. (2007). Understanding governance: Ten years on. *Organization Studies*, 28(8), 1243-1264. DOI: 10.1177/0170840607076586.
- Robinson, J. (2011). Cities in a world of cities: The comparative gesture. *International Journal of Urban and Regional Research*, 35(1), 1-23. DOI: 10.1111/j.1468-2427.2010.00982.x.

- Stone, D. (2004). Transfer agents and global networks in the “transnationalization” of policy. *Journal of European Public Policy*, 11(3), 545–566. DOI: 10.1080/13501760410001694291.
- Tavares, R. (2016). *Paradiplomacy: Cities and states as global players*. Oxford University Press.
- United Cities and Local Governments (UCLG). (2016). *Co-creating the urban future: The agenda of metropolises, cities and territories. GOLD IV: Fourth Global Report on Local Democracy and Decentralization*. Barcelona: United Cities and Local Governments.
- van der Pluijm, R., & Melissen, J. (2007). *City diplomacy: The expanding role of cities in international politics*. Clingendael Diplomacy Papers No. 10. The Hague: Netherlands Institute of International Relations “Clingendael.”
- Zelinsky, W. (1991). The twinning of the world: Sister cities in geographic and historical perspective. *Annals of the Association of American Geographers*, 81(1), 1–31. DOI: 10.1111/j.1467-8306.1991.tb01676.x.